

پیامدهای زندانی شدن بر خانواده زندانیان

عمادالدین باقی^۱

میرطاهر موسوی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۲۶

چکیده

یکی از سیاست‌های راهبردی کشور، تقویت نهاد خانواده در برابر عوامل گوناگون تضعیف‌کننده درونی و بیرونی آن است. در این پژوهش، به پیامدهای زندانی شدن افراد بر خانواده‌شان توجه شده است. روش تحقیق حاضر، فراتحلیل کیفی است و در آن از مشاهده مشارکتی برای صورت‌بندی استنتاج‌های جامعه‌شناختی جدید بهره گرفته شده است. براساس داده‌ها، در طول سال حداقل یک میلیون نفر زندانی ثابت و در گردش در ایران وجود دارد. با توجه به اینکه متوسط بعد خانوار در ایران ۳/۵۵ است، هر سال نزدیک به ۵ میلیون نفر ایرانی به‌نحوی با پیامدهای این پدیده به‌طور مستقیم سروکار دارند که نشان‌دهنده ابعاد وسیع تأثیر زندان بر خانواده‌ها و مشکلات خانواده‌های زندانیان در ایران است. مجموعه پیامدهای زندان عبارت‌اند از: ۱. فردی و شخصیتی؛ ۲. اجتماعی؛ ۳. اقتصادی؛ ۴. فرهنگی؛ ۵. سیاسی. یکی از مسائل مهم، رابطه نوع جرم و مدت محکومیت زندانی با انسجام خانواده است. وضعیت خانواده محکومان موادمخدر و خانواده محکومان به قتل و سرقت و جرایم مالی و... با هم متفاوت است. در پژوهش حاضر پنج راهکار مؤثر ارائه و تشریح شده است که عبارت‌اند از: ۱. تعیین مدل کیفی، ۲. انسانی‌تر کردن شرایط زندان با توجه به تأثیرات محیط فیزیکی بر روان و اخلاق فرد، ۳. زندان باز، ۴. روش‌های جایگزین زندان، ۵. ضرورت حضور نهادهای مدنی و حمایتگر.

واژه‌های کلیدی: پیامدهای اجتماعی زندان، پیامدهای اقتصادی زندان، پیامدهای خانوادگی زندان، خانواده زندانی، زندان.

۱. جامعه‌شناس، نویسنده و پژوهشگر، ebaghi@gmail.com

۲. جامعه‌شناس، عضو هیئت‌علمی مرکز تحقیقات مدیریت، رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی (نویسنده مسئول)،
tr_mousavi@yahoo.com

مقدمه

زندان محلی است که در آن محکومان دارای حکم قطعی با معرفی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به‌طور دائم به‌منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگهداری می‌شوند (آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، ماده ۳).

زندان‌ها به انواع زندان بسته، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال که خود شامل مؤسسه‌های حرفه‌آموزی و کاردرمانی (اردوگاه) است، تقسیم می‌شوند (آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، ماده ۵). زندان بسته زندانی محصور است که با برج‌های دیده‌بانی در پوشش داخلی و خارجی دارای حفاظت کامل است. در این نوع زندان، محکومان شب‌ها در خوابگاه‌های اختصاصی یا گروهی نگهداری می‌شوند و روزها از برنامه‌های آموزشی، فنی و حرفه‌ای و تفریحی استفاده می‌کنند و در کارگاه‌های داخل زندان به‌کار گمارده می‌شوند (همان، ماده ۶). مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال نیز ممکن است محصور و در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب یا نامحصور و بدون حفاظت و مأمور انتظامی یا در حالتی بینابین باشد که در آن محکومان به‌طور گروهی به کار اعزام می‌شوند و پس از پایان کار دوباره به آسایشگاه‌های خود بازگشت داده می‌شوند (همان، ماده ۷). محکومانی که در مراکز حرفه‌آموزی اشتغال می‌یابند، در تمامی ساعت‌های کار و حرفه‌آموزی، حق خروج از محل کار را ندارند و پس از خروج از آسایشگاه باید به‌طور مستقیم به محل کار بروند و به‌موقع نیز مراجعت کنند. زمان ورود و خروج آنان در محل کار به‌دقت باید ثبت شود (همان، ماده ۱۱). نگهداری زندانی در زندان باز یا بسته ارتباطی مستقیم با میزان تأثیر زندان بر زندانی و خانواده وی دارد.

پیشینه زندان به قدمت تاریخ مکتوب انسان است و در قدیمی‌ترین منابع و کتب مذهبی از زندان و زندانی سخن رفته است. در تاریخ بشر مجازات با قساوت و با تکنیک‌های زجرآور همراه بود و به همین دلیل از پیدایش پدیده مجازات زندان به جای آن نوع مجازات خشن استقبال شد. در منابع اسلامی زندان به‌عنوان مجازات وجود ندارد، اما در میان مسلمین رواج داشت و در ایران نیز زندان به شیوه جدید و نظام‌مند از سال ۱۲۹۱ (ه‌ش) به بعد با الگوگیری از سوئدی‌ها شکل گرفت و سال ۱۳۲۰ نیز برای اولین بار مؤسسه‌ای با نام بنگاه حمایت زندانیان تشکیل شد و آیین‌نامه آن به تصویب رسید که طبق آن مهم‌ترین وظیفه این سازمان حمایت از خانواده زندانیان بود. این نهاد تا امروز پابرجاست.

در دوره مدرن، از زندان به‌عنوان جایگزینی برای اعدام و مجازات‌های خشن، تعذیب و قطع

عضو- که تا سده‌های اخیر بسیار رایج بود- به سرعت استقبال شد، اما بعدها به آن از جنبه کارآمدی و پیامدهای منفی و همچنین از جنبه حقوقی انتقادات وسیعی وارد شد. یکی از مهم‌ترین انتقادات حقوقی به زندان این است که استفاده از این نوع مجازات ناقض اصل شخصی بودن جرم و مجازات است؛ زیرا برخلاف این اصل که نباید فرد دیگری تاوان گناه یک شخص را بپردازد و هرکس مسئول اعمال خویش است، در مجازات زندان علاوه بر زندانی، خانواده او هم مجازات می‌شوند و دچار آسیب‌های روحی و روانی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی می‌شوند. این بخش از انتقادات موضوع محوری پژوهش است.

امروزه نهاد خانواده بیش از هر زمان دیگر در معرض آسیب قرار دارد و شناخت تمام عوامل آسیب‌زا ضروری است؛ زیرا انسجام، همبستگی و اعتماد اجتماعی که از ارکان سرمایه اجتماعی است، به نحوی با وضعیت نهاد خانواده ارتباط دارد. یکی از کانون‌های آسیب نیز زندان و پیامدهای آن بر خانواده است. آمار بالای تعداد زندانیان دامنه این آسیب‌ها را گسترده‌تر می‌سازد. این آسیب‌ها شامل چه مواردی می‌شوند و چگونه می‌توان آن‌ها را مدیریت کرد و کاهش داد؟ اهمیت جایگاه خانواده از یک طرف و نبود پژوهش‌ها و اطلاعات کافی در زمینه تأثیرات زندان و زندانی شدن افراد بر خانواده آن‌ها از طرف دیگر- که تدوین راهبردهای مقابله با آسیب‌ها را با خلل مواجه می‌کند- انجام دادن پژوهش‌های بیشتر را در این زمینه ضروری می‌سازد.

در این پژوهش، مسئله مورد بررسی عبارت است از: ۱. «دامنه» تأثیر زندانی شدن فرد بر خانواده، ۲. «نوع تأثیر» (اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی) و ۳. «راهکارهای» کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در سه سطح خرد و میانی و کلان.

پیشینه پژوهش

درباره زندان و پیامدهای آن به زبان انگلیسی و فرانسه منابع فراوانی وجود دارد؛ زیرا شرایط اجتماعی و سیستم باز زندان برای پژوهشگران امکان انجام دادن مطالعات میدانی بیشتری را فراهم کرده است که یافته‌ها و نظریه‌های راهگشایی را به دست می‌دهند، اما در زمینه پیامدهای زندان بر خانواده زندانی به ندرت تحقیقات چشمگیری یافت شده است. در یکی از کتاب‌های تازه منتشر شده در این زمینه، ابعاد مختلف زندان از نظر تاریخی و اجتماعی و مسائل زنان و کودکان

زندانی و حرکت‌های اصلاحی و چالش‌های آن بررسی شده است، اما بحث درباره تأثیر زندان بر خانواده در آن غایب است (موریس و روتمن، ۱۳۹۰). در منابع عربی مشاهده شده نیز اغلب درباره ابعاد مختلف زندان بحث شده است و موضوع خانواده زندانی به شکل مستقل و تشریحی بررسی نشده است. البته تنها امتیازی که در ادبیات موضوع آن نسبت به منابع فارسی وجود دارد، تعدد کتاب‌ها درباره زندان زنان است.^۱ تنها کتابی که ارتباط نسبی با موضوع پیامدهای زندان بر خانواده دارد، درباره چگونگی مراقبت از زندانیان و مراقبت پس از آزادی و خانواده زندانیان در جامعه عربی نوشته شده است و مستند به تحقیقات میدانی است و پیامدهایی مانند بروز طلاق، ترک منزل شوهر، کجروی، بحران معیشتی و... را در میان خانواده زندانیان در کشورهای مصر، تونس و اردن با جدول‌های آماری متعدد توصیف کرده است.^۲

در منابع فارسی نیز به جز چند اثر محدود که در آن‌ها هم جنبه‌های مختلف زندان و اغلب جنبه‌های حقوقی بررسی شده است، مشکلات خانواده زندانیان، مفقود یا درحاشیه است.

احمدی و ایمان در سال ۱۳۸۲ پژوهشی را در شیراز روی خانواده زندانیانی انجام داده‌اند که به جرم حمل یا مصرف مواد مخدر دوران حبس را می‌گذرانند.

در آرشیو پژوهش‌های سازمان زندان‌ها به عنوان تخصصی‌ترین سازمان ذی‌ربط که سابقه چندین ساله دارد، در این زمینه ۱۵۳ مقاله و ۱۱ چکیده پژوهش مشاهده می‌شود که به شرح زیر است:

مقالات در حوزه اصلاح و تربیت (۲۰ مقاله)، در گروه مقالات اصلاحی و تربیتی، آموزشی، درمان‌های کاهش آسیب و کاهش رفتارهای پرخطر درباره کاهش هدفمند جمعیت کیفری و حبس‌زدایی (۰ مقاله)، مقالات مرتبط با امور کاهش استفاده از مجازات زندان و حبس و همچنین کاهش هدفمند جمعیت کیفری زندان‌ها و... انفورماتیک (۲۶ مقاله)، مقالات حوزه‌های توسعه و استقرار فناوری نوین و نوسازی و تحول تشکیلاتی، مدیریت و آمار (۲۷ مقاله)، درباره قانون، جرم و جزا (۱ مقاله)، روان‌شناسی و مددکاری (۷ مقاله)، بهداشت و درمان (۴ مقاله)، زندان و زندانبانی (۳ مقاله)، علوم انسانی و اجتماعی (۴۵ مقاله)، علوم اسلامی و زندان (۲۰ مقاله) و چکیده پژوهش‌ها درباره زندان (۱۱ مقاله).

از میان پژوهش‌های یازده‌گانه فقط یک تحقیق به «بررسی تأثیر زندانی شدن بر خانواده زندانی»

۱. برای مثال رک: غانم، سجن النساء (دراسة أنثروبولوجية)، ۱۹۸۸

۲. رک: محمودخليفة، رعاية المسجونين و المفرج عنهم و أسرهم في المجتمع العربي، ۱۹۹۷

ربط دارد که محمدی فرود در سال ۱۳۷۹ انجام داده و کارفرمای آن دفتر آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی بوده است. خلاصه تحقیق یادشده به شرح زیر است:

زندان به‌عنوان یکی از مجازات‌های اصلی در قوانین کیفری پذیرفته شده است. بی‌شک، اصلاح و تربیت مجرمان بدون توجه به ابعاد مختلف میسر نیست و بازگشت مجرم به اجتماع بدون توجه به خانواده مجرم و نقش آن جای سؤال اساسی دارد. حال این سؤال مطرح است که اعمال مجازات زندان چه تأثیری بر خانواده زندانی دارد؟ هدف اصلی این طرح بررسی تأثیر زندانی‌شدن بر مشکلات خانواده زندانیان از قبیل گرایش به طلاق، جرم و فساد اخلاقی است. جامعه آماری شامل تمام خانواده زندانیان در زندان‌های استان تهران است که به‌صورت نمونه ۴۰۰ خانواده به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است و روش‌های آماری به‌کاررفته شامل محاسبه همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک‌طرفه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره است. براین اساس نتایج زیر به‌دست آمد: ۱. بین هیچ‌یک از متغیرهای سابقه قضایی، نوع جرم و وضعیت مالی زندانی با گرایش به طلاق و فساد اخلاقی همسر زندانی رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ ۲. بین سابقه قضایی زندانی و گرایش به جرم در خانواده زندانی رابطه معنادار وجود دارد؛ ۳. بین جرم زندانی و میزان افسردگی همسر زندانی رابطه معناداری وجود دارد؛ ۴. بین سابقه قضایی و میزان انحراف اجتماعی همسر زندانی رابطه معنادار وجود دارد. طبق نتایج پیشنهاد شده است برای کاهش مشکلات خانواده‌های زندانیان خدمات اجتماعی-روانشناختی به آن‌ها ارائه شود (محمدی فرود، ۱۳۷۹).

هرچند منابع موجود در وب‌سایت تخصصی‌ترین نهاد مرتبط با زندان اندک است، در فصلنامه‌ها، مجلات و نشریات دیگر نسبت به کتاب‌ها و وب‌سایت سازمان زندان‌ها، مقالات بیشتری وجود دارد که اغلب آن‌ها نیز به‌دلیل محدودیت‌های مطالعه میدانی در زندان‌ها فاقد داده‌های مستقیم و دست اول و مشاهدات عینی هستند. پژوهش حاضر نیز علاوه بر محدودیت‌های یادشده، از نظر زمانی امکان اجرای چنین پژوهشی را نداشته است، اما از تجربیات شخصی و مستقیم مؤلفان درباره زندان و نگاه جست‌وجوگرانه به موضوع از درون بهره‌مند است.

مبانی نظری

نظریه کنترل اجتماعی در جامعه‌شناسی انحرافات، مبحثی جدید در مطالعات اجتماعی است که به بررسی تأثیر زندان بر خانواده‌ها، بر روابط خانواده و گرایش فرزندان به بزهکاری توجه دارد.

رویکرد کنترل اجتماعی، وقوع رفتارهای کجروانه را برحسب وجود ضعف در فرایند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی تبیین می‌کند. براساس این رویکرد، هنگامی که کنترل اجتماعی به اندازه کافی قوت داشته باشد از وقوع کجروی جلوگیری می‌شود، اما وقتی کنترل‌های داخلی یا خارجی ضعیف یا ازهم‌پاشیده باشد، رفتار کجروانه ظاهر می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۳۹۰). تراویس هیرشی از صاحب‌نظران تبیین‌های کنترل اجتماعی پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف باورها و اعتقادات موجود در جامعه می‌شمرد. او معتقد است هرچه همبستگی میان جوانان، والدین، بزرگسالان و همسالان بیشتر باشد، جوانان بیشتر علاقه‌مند و درگیر مدرسه و دیگر فعالیت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند و هرچه بیشتر اعتقادات و جهان‌بینی مرسوم و مطلوب محیط اجتماعی را قبول کنند، احتمال کجرو و مجرم‌شدن آن‌ها کمتر است. او چهار عنصر را به‌عنوان عناصر پیونددهنده افراد به یکدیگر و جامعه و به تعبیر دیگر چهار متغیر کنترل‌کننده رفتار معرفی می‌کند که عبارت‌اند از ۱. دلبستگی، ۲. تعهد، ۳. مشارکت، ۴. باور (همان، ۳۹۱-۳۹۲).

سرمایه اجتماعی: موضوع پیونددهنده در نظریه کنترل اجتماعی لاجرم مفهوم سرمایه اجتماعی را هم پیش می‌کشد.

نظریه کنترل اجتماعی چهار متغیر کنترل‌کننده رفتار از جمله دلبستگی، تعهد، مشارکت و باور را معرفی می‌کند؛ بنابراین، بحث سرمایه اجتماعی به‌خوبی اهمیت نقش نهادهای حمایتی و مدنی، نقش نهاد خانواده و مذهب را در جامعه ایران نشان می‌دهد. کنترل اجتماعی طبق دیدگاه مبدع این اصطلاح به تمام فرایندهایی مانند پلیس و دادگاه‌ها و زندان‌ها و قانون جزا و حتی مذهب و آموزش و پرورش اشاره دارد که افراد را به همنوایی با هنجارها و ارزش‌های جامعه وامی‌دارد (همان: ۴۴۹-۴۵۰). در سطح کلان می‌توان درباره وضعیت موجود و وضعیت جرم و رشد جمعیت کیفری زندان‌ها به نظریه هماغوشی مثلث مذهب، اخلاق و روحانیت توجه کرد. طبق این نظریه، در جامعه سنتی و درحال گذار، مثلث روحانیت، مذهب و اخلاق چنان همپوشانی دارد و با همدیگر در ذهنیت توده‌های مردم تجلی کرده‌اند که فروریختن یکی از این سه سبب فروریختن سایر ارکان می‌شود و به هر نسبت که از اعتبار روحانیت کاسته شود باورهای دینی و عقاید مذهبی متزلزل و معیارهای اخلاقی لوث می‌شود (باقی، ۱۳۸۳: ۱۵۰-۱۶۳).

جامعه‌پذیری: بحث جامعه‌پذیری را برخی صاحب‌نظران با کنترل اجتماعی یکی می‌دانند و برخی مرحله‌ای از کنترل اجتماعی و بعضی هم فرایندهایی مستقل اما مکمل می‌دانند. یکی از

پیامدهای زندان بر خانواده‌ها اخلال در فرایند جامعه‌پذیری فرزندان است. در واقع، پدیده زندان یکی از شاخص‌های ضعف کنترل اجتماعی است و هرچه جمعیت زندانیان بیشتر باشد، کنترل اجتماعی ضعیف‌تر است. همچنین، یکی از پیامدهای مهم محکومیت زندان سست‌شدن کنترل اجتماعی بر فرزندان و همسران و به‌طور کلی خانواده زندانی است. اعتبار و انسجام نهاد خانواده یکی از سرمایه‌های اجتماعی و حتی یکی از شاخص‌های آن است که با زندانی‌شدن عضوی از خانواده، نظام روابط و مناسبات خانواده با فرسایش و آسیب مواجه می‌شود و پیامدهای منفی و آسیب‌زای ویژه خود را در پی دارد. ضعف کنترل اجتماعی درونی و بیرونی پیامدهای دیگری هم دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کتابخانه‌ای و اسنادی از نوع فراتحلیل کیفی است که از طریق بررسی انتقادی اسناد و اطلاعات (به‌طور مشخص در زمینه آمار زندانیان) داده‌های قابل‌اتکا به‌دست آمده است. همچنین، به‌دلیل مطالعات و تجربیات میدانی نویسندگان در زمینه پژوهش، این تحقیق از مشاهده مشارکتی بهره‌مند بوده است.

برخی از چالش‌های مرتبط با تبیین جامعه‌شناختی مسئله زندان در ایران و معضل آمار

به‌دست‌آوردن تصویری روشن از دامنه مشکل و شناخت وضعیت موجود خانواده‌های زندانیان در ایران و ابعاد تأثیر زندان بر خانواده‌ها، نیازمند آگاهی از کمیت و کیفیت زندانیان و گستره موضوع است، درحالی‌که یکی از مشکلات بزرگ برای هر نوع پژوهش درباره زندان از جمله درباره پیامدهای زندان بر خانواده‌ها در ایران، نبود داده‌های لازم و مورد اعتماد است. سازمان زندان‌ها تا سال ۱۳۸۸ به‌صورت رسمی آمار به‌روزشده زندانیان کل کشور را به‌صورت کلی و نیز به تفکیک سن، جنس، تحصیلات و پراکندگی جغرافیایی ارائه می‌کرد. این کار دستمایه‌ای مطلوب را برای پژوهشگران فراهم می‌ساخت. یکی از دلایل انتشار آمار فصلی و به‌روزرکردن پیوسته آن، اتخاذ تدابیری برای کاهش جمعیت کیفری و موفقیت‌های نسبی در این زمینه طی دوره دهه ساله ۱۳۷۸-۱۳۸۸ بود که از این طریق به ارائه پیشرفت برنامه‌های قضایی در جرم‌زدایی از قوانین، جلوگیری از صدور احکام زندان و استفاده از مجازات جایگزین مبادرت می‌کرد، اما از سال ۱۳۸۸ به بعد به‌دلیل رشد جهش‌وار جمعیت کیفری زندان در اثر سیاست شدت عمل در برابر رشد جرایم و

بزهکاری‌ها- به تصور اینکه این روش موجب کنترل جرم می‌شود و نیز برای اینکه تدبیر متفاوتی نشان داده شود- و همچنین با تشدید اجرای طرح امنیت اجتماعی در سال ۱۳۸۷ که کارکردهای غیرمستقیم داشت، سیاست عدم ارائه آمار دقیق و پنهان‌کاری اتخاذ شد و از آن زمان به بعد تمام جدول‌ها و آمارهای مربوط به زندانیان در کل کشور از سایت سازمان زندان‌ها حذف شد. براین اساس، امکان دسترسی به اطلاعات از بین رفته است، اما از آنجاکه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور عضو ICPS یا مرکز بین‌المللی مطالعات زندان^۱ است و موظف است هر سال گزارش آماری زندانیان خود را به این سازمان اعلام کند، از طریق سایت این مرکز دستیابی به آمار اجمالی میسر می‌شود. ۲۱۸ کشور جهان آمار زندانیان خود را هر شش ماه یک‌بار به این مرکز اعلام می‌کنند. ایران نیز به‌عنوان یکی از اعضا باید به این مرکز آمار هر شش ماه را ارائه کند، هرچند سازمان مذکور به این آمار اعتماد کافی ندارد و راهی برای سنجش درستی آن در دست نیست. در عین حال، چاره‌ای نیست جز اینکه همین داده‌ها مبنای مطالعه قرار گیرند که در این صورت هم می‌توان نتایجی سودمند به دست آورد. در جدول ۱، گزارش مرکز بین‌المللی مطالعات زندان در مورد آمار و تعداد زندانیان در تعدادی از کشورهای جهان و از جمله در جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ مشاهده می‌شود (prisonstudies.org).

طبق داده‌های جدول ۱، ۲۵۰ هزار نفر زندانی ثابت در سال ۲۰۱۲ در ایران وجود داشته است که در اوایل سال ۲۰۱۳ به ۲۱۷ هزار نفر رسیده است (World Prison Population List 10th edition)؛ یعنی در سال ۲۰۱۳، ۳۳ هزار نفر یا ۱۳ درصد کاهش یافته است. براساس داده‌های پراکنده رسمی می‌توان گفت در حال حاضر تعداد زندانیان بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر است، اما طبق منابع غیررسمی این تعداد به حدود ۴۰۰ هزار نفر می‌رسد. آمار غیررسمی را می‌توان از طریق مقایسه اطلاعات دیگر مانند آمار پرونده‌های وارده به قوه قضاییه برآورد کرد.

رئیس قوه قضاییه در سال ۱۳۸۶ اظهار کرد که سالانه ۸ میلیون پرونده وارده به دادگستری وجود دارد، ولی معاون اداری و مالی قوه قضاییه درباره آمار ورودی پرونده‌ها در سال ۱۳۸۶ با اشاره به وجود سالیانه حدود ۹ میلیون پرونده در کشور گفت: این مراجعه کنندگان غیر از افرادی هستند که پرونده آن‌ها در هیئت‌های تخلفات اداری سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و هیئت‌های حل اختلاف کارگری و کارفرمایی و نیز پرونده‌های مالیاتی هیئت‌های داری و کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری و امثال این‌ها مطرح می‌شود. وی پرونده‌های هیئت‌های تخلفات اداری در سال ۱۳۸۶ را

۱۳ هزار و ۴۱۴ مورد عنوان کرد و افزود: این تعداد نسبت به سال قبل ۱۲ درصد افزایش داشته است (علیزاده، ۱۳۸۷). اگر هر پرونده را حداقل دارای دو نفر ذی نفع بدانیم، می توان گفت سالانه حدود ۸ میلیون نفر با پرونده های قضایی مرتب هستند و این رقم اندکی کمتر از نیمی از ۱۸ میلیون خانوار کشور است. به سخن دیگر، به طور متوسط از هر دو خانوار ایرانی سالانه یک خانوار درگیر یک پرونده قضایی می شود.

جدول ۱. آمار زندانیان در ایران و تعدادی از کشورهای جهان از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ (۱۳۹۲-۱۳۹۰)

ردیف	نام کشور	تعداد زندانیان سال ۲۰۱۱	تعداد زندانیان ابتدای سال ۲۰۱۲	تعداد زندانیان ابتدای سال ۲۰۱۳
۱	آمریکا	۲۲۹۲۱۳۳	۲۶۶۶۸۳۲	۲۲۳۹۷۵۱
۲	چین	۱۶۵۰۰۰۰	۱۶۴۰۰۰۰	۱۶۴۰۰۰۰
۳	روسیه	۷۹۳۳۰۰	۷۱۲۵۰۰	۷۰۱۹۰۰
۴	برزیل	۴۹۶۲۵۱	۵۱۴۵۸۲	۵۴۹۵۷۷
۵	هند	۳۷۶۹۶۹	۳۶۱۹۹۹	۳۷۲۲۹۶
۶	مکزیک	۲۲۲۳۳۰	۲۳۸۲۶۲	۲۳۹۹۴۱
۷	تایلند	۲۲۴۲۹۲	۲۴۰۴۱۵	۲۳۴۶۳۳
۸	ایران	۲۳۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	۲۱۷۰۰۰
۹	آفریقای جنوبی	۱۵۹۲۶۵	۱۵۶۱۶۵	۱۵۶۶۵۹
۱۰	اوکراین	۱۵۷۸۶۶	۱۵۰۲۶۴	۱۴۷۱۱۲
۱۱	اندونزی	۱۴۱۶۸۹	۱۴۱۹۸۱	۱۴۱۹۸۱
۱۲	ترکیه	۱۲۴۰۷۴	۱۲۴۶۷۷	۱۳۸۰۱۶
۱۳	کلمبیا	۸۴۴۴۴	۱۱۲۳۶۱	۱۱۳۸۱۴
۱۴	ویتنام	۱۰۸۵۵۷	۱۱۳۰۱۳	۱۱۳۰۱۸
۱۵	اتیوپی	۱۱۲۳۶۱	۱۱۲۳۶۱	۱۱۲۳۶۱
۱۶	فیلیپین	۱۰۴۷۱۰	۱۱۱۹۷۹	۱۰۴۷۱۰
۱۷	لهستان	۸۲۱۳۴	۸۴۱۷۵	۸۴۱۵۶
۱۸	انگلستان	۸۶۲۳۳	۸۶۳۲۱	۸۳۹۹۹
۱۹	پاکستان	۷۵۵۸۶	۷۵۵۸۶	۷۷۸۰۰
۲۰	ژاپن	۷۴۴۷۶	۶۹۸۷۶	۶۹۸۷۶

جدول ۲. تعداد پرونده‌های وارده و مختومه در دادگستری‌های کل کشور از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۱ (به هزار)

سال	پرونده‌های وارده به قوه قضاییه	پرونده‌های مختومه (دادگاه عمومی و تجدیدنظر)
۱۳۷۵	-	۳۲۹۸۱۰۸
۱۳۸۰	-	۵۴۶۳۶۱۰
۱۳۸۲	-	۵۷۶۲۵۱۸
۱۳۸۳	-	۴۶۸۷۲۱۱
۱۳۸۴	-	۳۷۲۵۹۰۹
۱۳۸۵	-	۳۷۲۳۷۵۶
۱۳۸۶	۹۰۰۰۰۰۰	۳۶۸۶۷۶۷
۱۳۸۷	-	۹۶۴۰۶۴۵
۱۳۸۸	-	۹۷۴۹۷۴۳
۱۳۹۰	۱۱۰۰۰۰۰۰ یا ۱۶۰۰۰۰۰۰	-
۱۳۹۱	۶۰۰۰۰۰۰	-

منبع: داده‌های جدول تا سال ۱۳۸۵ و مختومه‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ برگرفته از مأخذ سالنامه آماری ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ جدول‌های ۲-۱۳ و آمار پرونده‌های وارده از منابع مذکور در متن پژوهش است.

حال که دسترسی به آمار دقیق زندانیان میسر نیست و مرکز مطالعات بین‌المللی زندان براساس اطلاعات دریافتی از سازمان زندان‌ها آمار ۲۵۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۲ را ارائه می‌کند، می‌توان از طریق مقایسه سیر صعودی پرونده‌های ورودی به زندان به برآورد صحیح‌تری دست یافت. هرچند این نقص سالنامه‌های آماری کشور است که بدون ذکر تعداد پرونده‌های وارده، آمار پرونده‌های مختومه را ارائه کرده است، در صورتی که آمار مختومه‌ها در قیاس با آمار وارده‌ها معنا پیدا می‌کند؛ یعنی باید معلوم شود چه تعداد پرونده در سال وارد قوه قضاییه شده است که این تعداد مختومه شده‌اند. در هر صورت، همواره تعداد پرونده‌های وارده بسیار بیشتر از مختومه است. در سال ۱۳۸۷، تعداد پرونده‌های مختومه ۹۶۴۰۶۴۵ بود و تعداد کل زندانیان کشور ۱۶۵۳۰۸ نفر اعلام شد، البته در این دوره و در اثر سیاست کاهش جمعیت کیفری از طریق افزایش عفو و مرخصی، جمعیت زندانیان نسبت به سال قبل ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش یافت. در سال ۱۳۸۸، در قوه قضاییه بالغ بر ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار پرونده مختومه (شامل پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی، تجدیدنظر، دادرها و شوراهای حل اختلاف) وجود داشت (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸: ۵۶۰) و تعداد زندانیان ۱۷۳۹۶۱ نفر اعلام شد. در سال ۱۳۹۰، آمار ۲۲۰ هزار نفر زندانی و ۱۱ میلیون

پرونده ورودی ارائه شد (صادقی، ۱۳۹۱). در نتیجه، می توان به طور تقریبی برآورد کرد که با افزایش پرونده های ورودی به قوه قضاییه، تعداد زندانیان هم به نسبت مشابه افزایش می یابد.

درباره تعداد زندانیان در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ هنوز آمار روشنی اعلام نشده است. هرچند رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه و معاون قوه قضاییه تعداد پرونده های ورودی در سال ۱۳۹۱ را ۶ میلیون اعلام و اظهار می کند: طبق آماري که از سامانه مدیریت پرونده قضایی داریم، در سال ۱۳۹۱، ۵ میلیون و ۹۱۸ هزار و ۵۶۰ پرونده به واحدهای مختلف مراجع قضایی وارد شده است که از این تعداد، ۵ میلیون و ۸۷۴ هزار پرونده بررسی و از قوه قضاییه خارج شده است که تقریباً نرخ رسیدگی ۹۹/۳ درصد بوده است که امر قابل قبولی است (شهرياری، ۱۳۹۲)، اما تفاوت چشمگیر این آمار با آمار سال پیش تردیدهایی را درباره درستی آن به وجود می آورد.

با مقایسه آمار پرونده های وارده و مختومه به قوه قضاییه و آمار اعلام شده زندانیان از گذشته تا سال ۱۳۹۱، می توان با توجه به روند صعودی پرونده های تشکیل شده برآورد کرد که احتمالاً تعداد واقعی زندانیان حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار تن است. البته تعداد زندانیانی که به عنوان متهم وارد زندان می شوند و حضورشان موقت است با تعداد زندانیانی که محکوم شده و ماندگارترند برابر نیست؛ بنابراین، آمار زندانیان ثابت و در گردش نیز یکسان نیست. تعداد زندانیان در گردش در مدت یک سال معمولاً ۴ برابر تعداد زندانیان ثابت برآورد می شود. از این رو، در طول سال حداقل یک میلیون نفر زندانی ثابت و در گردش در ایران وجود دارد و با توجه به آمار رسمی منتشر شده سرشماری جمعیت که بعد خانوار (متوسط جمعیت خانواده) ۳/۵۵ است، هر سال حدود ۴ میلیون نفر ایرانی به شکلی با این پدیده سروکار دارند. شایان ذکر است آمار زندانیان با آمار مجرمان برابر نیست؛ زیرا همه مجرمان به زندان محکوم نمی شوند یا ممکن است اصلاً بازداشت نشوند. افزون بر این، همه کسانی که زندانی می شوند لزوماً مجرم نیستند و فقط ممکن است متهم باشند (اجلایی، ۱۳۸۳: ۵۹). در هر حال، آمار مذکور نشان دهنده ابعاد وسیع تأثیر زندان بر خانواده ها و مشکلات خانواده های زندانیان در ایران است که در این تحقیق تشریح می شود.

این وضعیت درباره زندان و زندانیان در همه جهان نیز صادق است. طبق تحقیقی که مامولا در سال ۲۰۰۰ در آمریکا انجام داد، در سال ۱۹۹۹ والدین ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار کودک در زندان بودند که ۹۹ درصد آن شامل پدران و ۱ درصد آن شامل مادران می شد (فرقدان، ۱۳۸۹: ۲۷).

غلامحسین اسماعیلی، رئیس سازمان زندان های کشور، در گفت و گو با خبرگزاری مهر اعلام کرد ۴۳ درصد زندانیان را مجرمان موادمخدر و ۲۸ درصد زندانیان را سارقان تشکیل می دهند و

این آمار چند ماهی است که ثابت مانده است (علمی، ۱۳۹۱). در گزارش آماری زندان‌های سراسر کشور تا خردادماه ۱۳۸۷ نیز جرایم گروه موادمخدر ۴۵/۲۱ درصد اعلام شده بود.

جدول ۳. آمار زندان‌های سراسر کشور تا خردادماه ۱۳۸۷

زندانیان مرد	۹۶/۰۷ درصد
زندانیان زن	۳/۹۲ درصد
گروه جرایم موادمخدر	۴۵/۲۱ درصد
تعداد مراکز مراقبت بعد از خروج	۳۰
تعداد کانون اصلاح و تربیت	۲۸
قدیمی‌ترین زندان کشور از لحاظ تاریخ ساخت	سمنان
تعداد زندانیان در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت	۲۲۰
زندانیان بی‌سواد	۱۵/۳۲ درصد
زندانیان دارای تحصیلات ابتدایی	۳۵/۸۱ درصد
زندانیان دارای تحصیلات سیکل	۳۰/۸ درصد
زندانیان دارای تحصیلات دیپلم	۱۳/۳۴ درصد
زندانیان دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم	۳/۱۸ درصد
زندانیان زیر ۱۹ سال (دختر و پسر)	۰/۹۳ درصد
زندانیان مقطع سنی ۱۹-۲۵ سال	۱۹/۱ درصد
زندانیان مقطع سنی ۲۶-۳۹ سال	۵۳/۸۹ درصد
درصد زندانیان مقطع سنی ۳۹ سال به بالا	۲۶/۰۶

منبع: آمار سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (old.maslahat.ir)

برخی از داده‌های جدول ۳ از نظر شناخت پیامدهای زندانی‌شدن فرد بر خانواده و جامعه حائز اهمیت‌اند. نسبت جنسی زندانیان زن و مرد نشان می‌دهد ۹۶ درصد آنان را مردان تشکیل می‌دهند و نسبت سنی آنان نشان می‌دهد که حدود ۷۳ درصد در مقطع سنی ۱۹ تا ۳۹ سال هستند که سن کار و اشتغال محسوب می‌شود. هرچند ۲۶ درصد دیگر که بالای ۳۹ سال هستند اغلب شاغل‌اند و مسئولیت خانواده را بر عهده دارند. وجود ۷۳ درصد زندانی در مقطع سنی ۱۹ تا ۳۹ سال از منظری دیگر هم برای تحلیل آسیب‌های خانواده مهم است؛ زیرا این سنین دوران باروری و فرزندآوری و اشباع عاطفی خانواده است و از این نظر آسیب‌های واردشده اثرگذار و ویرانگرتر است.

حال که با نقد وضعیت آماری زندان و پنهان کاری آماری و عوارض آن، آگاهی نسبی درباره دامنه مشکل به دست آمد، می توان درکی درست تر از میزان پیامدهای ناشی از محکومیت زندان به دست آورد.

یافته های تحقیق

پیامدهای ناشی از محکومیت زندان

طبق الگوی پارسونزی که چهار خرده نظام اصلی را برای نظام اجتماعی بازمی شناسد، زندان مجموعه ای از پیامدهای فردی و شخصیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به همراه دارد. بر همین مبنا، پارسونز چهار ضرورت عملکردی را که عناصر ضروری حفظ و بقای نظام اجتماعی هستند برمی شمرد: ۱. جامعه پذیری، ۲. هماهنگی با شرایط محیطی، ۳. تحقق اهداف، ۴. یگانگی. پارسونز کنترل اجتماعی را ذیل ضرورت چهارم (یگانگی) مطرح می سازد و معنای آن را محدود ساختن کجروی های مخرب اجتماعی، تنظیم تعارضات و حل و فصل قانونی اختلافات می داند. مجریان یگانگی، کارگزاران اجرایی مانند سیاستمداران، دولت ها، قضات و رهبران دینی هستند، اما مجریان جامعه پذیری همه آحاد جامعه اند. پیامدهای زندان در چارچوب الگوی پارسونزی عبارت اند از:

۱. فردی و شخصیتی: هرچند آثاری مثبت چون رشد و شکوفایی خلاقیت های فردی و خوداتکایی و کاهش وابستگی به دیگران و... را پیامدهای مثبت برشمرده اند، یکی از کسانی که خود تجربه زندان داشته است بروز پدیده های توهم، سیطره شک و تردید، یأس، سلب اختیار، ترس و تضعیف اعتماد به نفس، سرکوب غرایز و محدودیت در برآوردن نیازهای طبیعی و غریزی، رفع محرک های محیطی و بیرونی قبلی و وابستگی به امور پیش پا افتاده را نیز پیامدهای منفی آن ذکر می کند (غنی، ۱۳۸۸).

۲. اجتماعی: در این حوزه می توان پیامدهایی از قبیل برچسب خوری، کاهش مشارکت اجتماعی، کاهش سازگاری، انزوای اجتماعی، کاهش همبستگی اجتماعی و در نهایت تقلیل یا نوسان سرمایه اجتماعی را ذکر کرد.

۳. اقتصادی: میانگین سنی زندانیان در جهان معمولاً بین ۲۰ تا ۵۰ سال است که سن فعالیت و کارآمدی است (همت زاده، ۵۰). نیروی انسانی در این سنین، اقتصادی ترین نیروی اجتماعی است. در سال ۱۳۸۹، هزینه نگهداری هر زندانی ماهی ۱۲۰ هزار تومان بوده است که این رقم با افزودن

هزینه پرسنل انتظامی دستگاه قضایی، ساختمان‌ها، خودروها و سایر موارد چندبرابر می‌شود (همان). براین اساس، در سطح خرد نیز فقر خانواده زندانی را به دنبال دارد.

۴. فرهنگی: مسئله انزوای فرهنگی، اختلال در جامعه‌پذیری، پس‌افتادگی و ناهنجاری فرهنگی در زندانیان و خانواده‌های آنان و از بین رفتن بخشی از منابع و ثمرات فرهنگی از جمله پیامدهای زندانی شدن افراد است.

۵. سیاسی: در حوزه سیاسی نیز می‌توان رشد بدبینی و بی‌اعتمادی و احساس خصومت نسبت به نظم موجود، تقلیل همبستگی، تقویت احتمال بروز کنش‌های بالقوه و بالفعل سیاسی از جنس و ندادلستی، پرخاشگری و اعمال خشونت، تشدید ناامنی و... را نام برد.

همه این پیامدهای به‌نوعی مستقیم یا غیرمستقیم بر خانواده زندانی تأثیر می‌گذارند. در خرده‌نظام اقتصادی این تأثیرها عبارت‌اند از تحمیل فقر و کاهش درآمد خانواده و مشکلات شغلی برای زندانی پس از آزادی و نیز برای اعضای خانواده که از اساس تأثیرهای پردامنه و اغلب حادی ارزیابی می‌شوند.

همچنین، در دوران حبس زندانی، خانواده او نه تنها نان‌آور خود را از دست می‌دهند، بلکه به دلیل فقدان تغذیه و امکانات درمانی و بهداشتی زندان‌ها اغلب خانواده‌های زندانیان ناگزیر از پرداخت ماهانه‌ای برای مخارج زندانی هستند که برای خانواده هزینه‌ای سنگین است. از آنجاکه بیشتر زندانیان وابسته به طبقه ضعیف هستند، بار مالی زندانی بر دوش خانواده‌ها بسیار سنگینی می‌کند. برخلاف آیین‌نامه سازمان زندان‌ها که هر زندانی از لحظه ورود به زندان بیمه محسوب می‌شود، از چند سال پیش در زندان‌ها طی دستورالعملی هزینه‌های دندانپزشکی - که یکی از رایج‌ترین مشکلات زندانیان و معلول مشکلات عصبی و تغذیه و مواد غذایی زندان و... است - و نیز هزینه بسیاری از داروها بر عهده زندانی است.

در خرده‌نظام جامعه‌ای، خانواده از آنجاکه یک پایه اصلی است، به‌طور مستقیم از شرایط ناشی از زندانی شدن عضو خود تأثیر می‌پذیرد و بخشی از این تأثیرپذیری را نیز خواه و ناخواه به جامعه منتقل می‌سازد. در خرده‌نظام فرهنگی نیز زندانی شدن بر روند آموزش رسمی (مانند افت تحصیلی اعضای خانواده) و آموزش‌های غیررسمی (مانند فراگیری هنجارها و درونی کردن آن‌ها) تأثیر منفی دارد و موجب هدررفت سرمایه‌گذاری‌های آموزشی می‌شود.

خانواده به‌عنوان اولین آموزشگاه بشری، نخست بیشترین تأثیر را بر چگونگی شخصیت روانی اجتماعی و فرهنگی فرزندان دارد و دوم به‌صورت غیرمستقیم جامعه را از نوع روابط و فرهنگ

خود متأثر می‌کند (منادی، ۱۳۸۵: ۱۴). به خانواده زندانیان به‌ویژه زندانیان موادمخدر در جامعه‌شناسی به‌عنوان قربانی نگاه می‌شود (ایمان، ۱۳۹۰ به نقل از لاوسون و هیتون، ۱۹۹۹). محققان نشان داده‌اند زندان پیامدهای مختلفی بر خانواده و جامعه دارد و ممکن است موجب ازهم‌گسیختگی خانوادگی شود. در سطح خرد و کلان برخی از این پیامدها عبارت‌اند از: کاهش فرصت‌های شغلی برای زندانیان آزادشده، افتادن بار مسئولیت مالی و روانی بر دوش خانواده‌ها و نیز انحراف مسیر سرمایه‌ها در مدارس و دانشگاه‌ها (فرقدان، ۱۳۸۹: ۲۶). پدیده انحراف سرمایه‌ها از چند جهت مطرح است: اول هدررفتن سرمایه‌گذاری انجام‌گرفته روی افرادی که محکوم شده‌اند و افت تحصیلی یا ترک تحصیل فرزندان آن‌ها که جمعیت شایان‌توجهی را تشکیل می‌دهند؛ دوم مصرف و مستهلک شدن بخشی از سرمایه‌ها برای اداره زندان‌ها، در صورتی که باید صرف آموزش و توسعه اجتماعی شود.

رابطه نوع جرم و مدت محکومیت زندانی با انسجام خانواده: براساس مطالعات تجربی که در زیر به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود، احتمال آسیب‌پذیری خانواده زندانیان و استعداد جرم‌خیزی در خانواده‌های کسانی که به‌دلیل بزهکاری‌های اجتماعی زندانی شده‌اند زیاد است و میان ارتکاب جرم و وضعیت خانواده رابطه وجود دارد. خانواده محکومان موادمخدر و خانواده محکومان به قتل و شرارت با هم متفاوت‌اند. در میان خانواده‌های محکوم به قتل، بین کسانی که مرتکب قتل اتفاقی شده‌اند و کسانی که قتل برنامه‌ریزی شده انجام داده‌اند تفاوت وجود دارد. در مورد اولی ممکن است نوعی همدلی نیز وجود داشته باشد، به‌ویژه اگر حادثه یا نزاع مربوط به منافع خانواده باشد.

در زمینه محکومان قاچاق موادمخدر، مشکلات افرادی که پس از محکومیت از سوی باندا متبوع حمایت می‌شوند کمتر است و آنان که غیرسازمانی عمل کرده‌اند و خانواده‌شان بدون حامی است وضع بدتری دارند. در سال ۱۳۸۲، احمدی و ایمان پژوهشی را در شیراز روی خانواده زندانیانی که به جرم حمل یا مصرف موادمخدر دوران حبس را می‌گذرانند، انجام دادند. مسئله اساسی در این پژوهش بررسی کیفیت زندگی خانواده‌های زندانیان موادمخدر در مقایسه با قبل از زندانی شدن سرپرست خانواده بوده است. این پژوهش با استفاده از نظریه کنترل اجتماعی در جامعه‌شناسی و نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو در روان‌شناسی اجتماعی و با روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری در پژوهش یادشده همسران زندانیان موادمخدر شیراز بوده است که ۵۰۰ نفر از آن‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه حضوری

برای آن‌ها پرسش‌هایی مطرح شد. نتایج آزمون T نشان می‌دهد که در زمینه وضعیت امرار معاش خانواده، روابط اجتماعی اعضای خانواده، وضعیت تحصیلی فرزندان، نحوه جامعه‌پذیری فرزندان، بهداشت روانی خانواده، کنترل فرزندان و تمایل آن‌ها به رفتار بزهکارانه، به‌عنوان متغیرهای سنجش کیفیت زندگی، در مقایسه با قبل از زندانی‌شدن سرپرست خانواده تفاوت معنی‌داری در آزمودنی‌ها به چشم می‌خورد. در نتیجه، مجازات مجرمان موادمخدر تأثیر منفی بر کیفیت زندگی خانواده‌های آن‌ها داشته است. نتایج این مطالعه نشان داد زندانی‌شدن سرپرست خانواده بر چند حوزه زندگی خانوادگی تأثیر داشته است که عبارت‌اند از: امرار معاش، قدرت جامعه‌پذیری فرزندان، کیفیت تحصیل و در موارد متعدد، ترک تحصیل و افزایش احتمال طلاق. براساس نتایج این تحقیق، غیبت طولانی‌مدت پدر و مجازات زندان موجب انزوای اجتماعی اعضای خانواده و به‌طور کلی تضعیف بهداشت روانی آنان و کاهش روابط اجتماعی با دوستان و همسایگان و خویشاوندان شده، نحوه امرار معاش خانواده به‌شدت تأثیر پذیرفته، فرایند جامعه‌پذیری فرزندان دچار اختلال شده، زمینه‌ها و تمایلات به رفتار بزهکارانه در فرزندان رشد یافته و کنترل اجتماعی فرزندان کاهش یافته و موجب نافرمانی آنان نسبت به خانواده، افت تحصیلی و عدم فعالیت مناسب در مدرسه شده است (احمدی و ایمان، ۱۳۸۵).

در تحقیق احمدی و نیکپور قنوتی در سال ۱۳۸۹ در زمینه تأثیر زندانی‌شدن محکومان به جرایم موادمخدر بر وضعیت بهداشت روان زنان آن‌ها، مسئله ارضای نیازهای غیرمادی، سازگاری و روابط اجتماعی، رضایت از زندگی، بیگانگی از دیگران و خویشتن خویش، وضعیت سلامت جسمی و روحی، وضعیت امرار معاش خانواده و کنترل اجتماعی فرزندان به‌عنوان ابعاد بهداشت روان در بین زنانی که همسرانشان به‌علت کنش‌های مربوط به موادمخدر زندانی شده‌اند بررسی شده است. این پژوهش با روش پیمایشی انجام گرفت و به‌این‌منظور ۸۰۰ نفر از زندانیان موادمخدر که حداقل سه ماه از مدت محکومیت آن‌ها گذشته بود با روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند انتخاب شدند و از همسران آن‌ها با ابزار پرسشنامه پرس‌وجو شد. یافته‌های این پژوهش بیان می‌کند بهداشت روانی زنانی که همسرانشان در زندان به سر می‌برند در ابعاد متفاوت کاهش یافته است. در نتیجه، با توجه به هزینه‌های سنگینی که زنان در ابعاد مختلف بهداشت روان در مدت‌زمان محکومیت همسرانشان باید پردازند، مجازات مجرمان موادمخدر بیش از آنکه مجازات خود آن‌ها باشد، مجازات زنان آن‌هاست (نیکپور قنوتی و احمدی، ۱۳۸۹).

پیامدهای خواسته و ناخواسته زندان: یکی از خدمات مهم مرتن (۱۹۱۰-۲۰۰۳) به

جامعه‌شناسی، مطرح‌ساختن اصطلاح کارکردهای آشکار و پنهان (Manifest and Latent Function) یا کارکردهای خواسته و ناخواسته است. کارکردهای آشکار آن‌هایی هستند که با قصد قبلی صورت می‌گیرند، درحالی‌که کارکردهای پنهان بدون قصد قبلی انجام می‌گیرند. پیامدهای ناخواسته گاه وسیع‌تر و مؤثرتر از پیامدهای قصدشده هستند. رابرت مرتن در زمینه محکومیت زندان و تأثیرات آن بر خانواده نیز پیامدهای متعددی مطرح شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تزلزل نهاد خانواده و بروز انواعی از آسیب‌های پیش‌بینی‌نشده است. گزیده‌ای از مشکلات پدیدآمده و کارکردهای ناخواسته و قصدنشده زندان به شرح زیر است:

۱. **مشکل اقتصادی:** از قبیل قطع شدن یا تقلیل منابع درآمدی خانوار، فقدان یا محدودیت فرصت‌های شغلی برای همسر و فرزندان، از بین رفتن پس‌اندازهای خانواده، بازتاب مشکلات اقتصادی در معیشت و تغذیه و سایر نیازهای اولیه و ثانویه مربوط به رفاه خانواده و در نهایت تقلیل سطح رفاه و سلامت خانواده.

۲. **احساس تنهایی و ناامنی:** این مشکل زنانی است که همسرانشان در زندان حضور دارند. براین اساس، تمام مسئولیت مراقبت از فرزندان بر دوش آن‌ها می‌افتد و آن‌ها مجبورند نقش‌های جدید را بپذیرد و به‌راحتی نمی‌توانند مشکلات خود را با دیگران در میان بگذارند. همچنین، ترس از برچسب‌های اجتماعی و عدم همدردی دیگران و اطرافیان با خانواده زندانی موجب افزایش استرس و عوارض جسمی ناشی از آن و تسری و شیوع افسردگی در فرزندان می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۱).

۳. **محدود شدن حق انتخاب:** فرزندان- و اگر فرد زندانی، سرپرست نباشد، سایر اعضای خانواده- برای پیدا کردن کار در معرض پیش‌داوری قرار می‌گیرند و در بعضی مشاغل از به‌کارگیری آن‌ها خودداری می‌شود؛ به‌ویژه در جوامعی مانند ایران که برای هر کاری اطلاعات وسیع درباره خانواده و بستگان درجه یک و دو فرد اخذ می‌شود.

۴. **تردید و ترس از آلوده شدن رابطه‌ها:** بیشتر زندانیان احساس می‌کنند دیگر تسلطی بر خانواده خود ندارند و ترس آن‌ها در مورد خانواده نیز بسیار شایع است. آن‌ها حتی مدام نگران ازدست‌دادن همسرشان هستند و از برقراری رابطه جنسی میان همسرشان و دیگران هم می‌ترسند و چون کاری از دستشان برنمی‌آید، این افکار تأثیر بسیار مخربی بر روح و روانشان بر جای می‌گذارد. در نتیجه، کنش‌های خاصی بروز می‌دهند که به‌طور متقابل بر روان خانواده تأثیر می‌گذارد و وضعیت رفاه و آرامش روانی و امنیت روحی خانواده را متزلزل می‌کند. گزارش‌های متعددی از

خودکشی زندانی در اثر نگرانی به دلیل ازدست دادن کنترل بر خانواده و مشقت‌هایی که از این رهگذر برای آنان به وجود آمده است وجود دارد.

۵. رشد احساس ضدا اجتماعی شدن: یکی از موضوعات قابل مطالعه در میان زندانیان و خانواده آن‌ها، فرایند تبدیل شدن افراد به عناصر ضدا اجتماعی است. ضدا اجتماعی شدن در خانواده نیز به دلیل بروز پدیده برچسب‌زنی و طرد اجتماعی و وجود نگاه‌های شک‌آلود و بیم نسبت به خانواده به تدریج رشد می‌کند و به یک آسیب تبدیل می‌شود، اما این مسائل در واقع در غیاب نهادهای میانجی و حمایتی رخ می‌دهند. به میزانی که همبستگی و حمایت اجتماعی کاهش یابد، احتمال ضدا اجتماعی شدن افراد افزایش می‌یابد. در جوامعی که نهادهای مدنی گوناگون با کارکردهای حمایتی وجود دارند، احتمال شکل‌گیری پدیده ضدا اجتماعی شدن ضعیف‌تر است، اما فرایند ضدا اجتماعی شدن درباره کسانی که افزون بر فقدان حمایت‌های مدنی، از حمایت‌های خانوادگی نیز محروم‌اند، بسیار ژرف‌تر و شدیدتر است.

هنگامی که کسی به دلیل تخلفات مالی زندانی می‌شود یا به دلیل ارتکاب جرمی محبوس است و آزادی او به قید وثیقه مستلزم همیاری خانوادگی است، خویشان و دوستان او ناگهان غریب می‌شوند و هرکسی از بیم اینکه تماس با خانواده درجه یک زندانی او را در تنگنای اخلاقی قرار دهد و مکلف سازد، خود را از معرض دید و تکلیف خارج می‌کند. البته بی‌اعتمادی و نگرانی از فرار یا اقدامات بعدی زندانی که ضامن را به مخاطره می‌افکند، از عوامل این دوری‌گزینی است، ولی وقتی این رفتار به قاعده یا رفتار غالب تبدیل می‌شود، زندانیان بسیاری از جلب همیاری بستگان و دوستان خویش محروم می‌شوند و به این نتیجه می‌رسند که بستگان و دوستان اغلب با آن‌ها مانند غریبه‌ها برخورد می‌کنند و برای نجات او کمک نمی‌رسانند. آن‌ها تصور می‌کنند همه افراد بنده منافع شخصی خود هستند و تا جایی به روابط خویشاوندی یا دوستی وفادارند که منافی برایشان داشته باشد یا اینکه در بهترین حالت زبانی برای آنان نداشته باشد. در این شرایط، هرکس دست یاری به سوی زندانی دراز کند، بهترین مصداق وفاداری را نشان داده است و اگر یاریگر هدف‌های خیرخواهانه داشته باشد و زندانی هم از آن سوءاستفاده نکند، عواقب خوشایندی دارد و اگر یاریگر اهداف دیگری داشته باشد، دام تازه‌ای برای زندانی گسترده می‌شود (باقی، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۷ و ۱۴۲-۱۴۴).

۶. افزایش احتمال طلاق: آمار نشان می‌دهد میان مدت محکومیت و نوع جرم با احتمال طلاق رابطه زیادی وجود دارد. در تحقیقی که در هفت زندان بزرگ ایران با جامعه آماری ۲۴۰۰۰ نفر در دو بخش زنان و مردان انجام گرفته است، روابط رگرسیونی نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل مؤثر در

وقوع یا تقاضای طلاق مردان زندانی، سابقه‌دار بودن آنهاست. هرچه مرد سابقه‌دارتر باشد، احتمال وقوع طلاق برای او افزایش می‌یابد. هرچند با افزایش تعداد فرزندان مرد و نیز نقش مددکاری زندان، امکان طلاق کاهش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد به‌جز در جرم قتل، در بقیه جرایم طلاق در اولین مرتبه به‌زندان افتادن به‌ندرت رخ می‌دهد و در صورت تکرار جرم احتمال آن بیشتر است. به‌طور کلی، برای ۲۰ درصد از مردان متأهل موجود در زندان حداقل یک‌بار طلاق رخ داده است که بیش از دوسوم آنها پس از اولین زندان و یک‌سوم قبل از اولین زندان بوده است (عبدی، ۱۳۸۱: ۸۴ و ۱۳۸۳: ۱۶۷-۱۶۸).

سهم خلأ عاطفی: حضور نداشتن سرپرست خانواده فقط از جنبه اقتصادی اهمیت ندارد، بلکه خلأ عاطفی ایجاد شده گاه از پیامدهای اقتصادی مهم‌تر است و در مواردی که خانواده به‌دلیل تمکن یا حمایت‌های کافی دیگران کمبود نداشته است، اختلالات غیرمادی به‌ویژه مسائل عاطفی وجود داشته است. در چند مورد محکومان مالی مشهور که امکانات کافی داشته‌اند، پس از صدور حکم حبس طولانی، خانواده از آنها جدا شده‌اند (مشاهده میدانی). همچنین، نظریه محرومیت اقتصادی فقط درباره برخی از مردان سرپرست خانوار مطرح می‌شود، درحالی‌که ممکن است زندانی، فرزند خانواده باشد و در این زمینه خلأ عاطفی وجود دارد. در واقع، پدیده خلأ عاطفی عام‌تر و فراگیرتر از محرومیت اقتصادی است و هنگامی‌که محرومیت اقتصادی به آن افزوده می‌شود، دامنه تخریب وسیع‌تر می‌شود.

بازپروری از طریق ارتباط با خانواده، مرخصی و ملاقات: رابطه زندانی با جهان خارج که مصادیق آن عبارت‌اند از مرخصی، ملاقات، ارتباطات تلفنی، پستی و... از جمله حقوق زندانیان است که تبدیل کردن این حقوق به امتیاز موجب تشدید پیامدهای منفی زندان بر خانواده زندانی می‌شود (باقی، ۱۳۸۸). به‌جز مبانی حقوقی برای «حق بودن» ارتباط زندانی با جهان خارج، این موضوع از جنبه بازپروری زندانی و کاهش آثار مخرب بر خانواده نیز اهمیت ویژه دارد. محرومیت از ملاقات و مرخصی، مجازات خانواده مجرم به‌تبع مجازات مجرم است. این امر برخلاف اصل شخصی‌بودن جرم و مجازات است. طبق این اصل که در تمام نظام‌های حقوقی جهان معمول است هیچ‌کس را نمی‌توان به هر دلیلی به موجب جرم شخص دیگری مجازات کرد. این اصل در قرآن نیز به‌صراحت ذکر شده است: «وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام، ۱۶۴) یعنی هیچ‌کس به‌جز آنچه خود علیه خویش انجام داده است کسب نمی‌کند و نمی‌اندوزد و هیچ نفسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد.»

استناد به اصل شخصی بودن جرم و مجازات برای این نظریه که خانواده زندانی نباید به تبع او مجازات شود و برای حل این مشکل باید ارتباط زندانی و خانواده و ارتباط با جهان خارج تأمین شود، به لحاظ حقوقی دلیل موجهی است، اما از نظر فلسفه حقوق نارسایی دارد. به سخن دیگر، اصل شخصی بودن جرم و مجازات سخنی رواست، اما مبنای «حق بودن» ارتباط زندانی با جهان خارج نیست؛ زیرا این نقض بر آن وارد می‌شود که اگر فردی مجرد بود و همسر نداشت یا فاقد پدر و مادر هم بود، دیگر نیازی به ملاقات و مرخصی ندارد، اما از نظر فلسفه حقوق اگر امری را «حق» بدانیم، استیفای آن موقوف به هیچ امر دیگری نیست و حتی نیازی نیست به اصل شخصی بودن جرم و مجازات استناد شود. در نتیجه، زندانی در حالت مجرد و به‌عنوان یک شخص و بدون توجه به داشتن یا نداشتن خانواده یا خویشاوند، به ارتباط با جهان خارج نیاز دارد. براین اساس، از نظر فلسفه حقوق، حق ارتباط با جهان خارج مانند حق غذا و آب و هواست که تأمین کردن آن مستلزم و متوقف بر هیچ شرطی از قبیل داشتن خویشاوند نیست. به این ترتیب، ممنوعیت مرخصی و ملاقات یک زندانی موجب مجازات خانواده او می‌شود؛ یعنی کسانی که محکومیتی ندارند.

از منظر روان‌شناختی، تقویت عواطف مجرم و تعلقات خانوادگی او یکی از راه‌های بازپروری و درمان است. قطع ارتباط زندانی به کاهش تعلقات عاطفی و خانوادگی می‌انجامد، در حالی که تماس‌های آزاد و مستمر تلفنی، مرخصی و ملاقات زندانی تأثیری چشمگیر بر جلوگیری از فروپاشی نهاد خانواده و تکثیر ناهنجاری و بزه دارد و نمی‌گذارد یک مجرم در جرم خویش راسخ‌تر شود و رفتار او به اعضای خانواده‌اش تسری پیدا کند. علاوه بر این، تماس‌های یادشده سبب تقویت امید به بازگشت به خانواده و جامعه می‌شود.

در زندان‌ها چند نوع ملاقات وجود دارد:

الف) ملاقات بدون تماس مستقیم و از پشت شیشه یا حائل مشبک که ویژه زندانیان خطرناک است.

ب) ملاقات عمومی که زندانی می‌تواند اعضای خانواده و بستگان یا دوستان خویش را در سالنی که به همین منظور معین شده است ملاقات کند و با همدیگر تماس مستقیم داشته باشد.

ج) در برخی از کشورها از جمله در برخی زندان‌های ایران (مانند زندان کرمان)، به منظور تحکیم پیوندهای خانوادگی علاوه بر ملاقات عمومی، سوئیت یا آپارتمان‌های کوچکی مجهز به تمام وسایل برای یک خانواده ۵ یا ۶ نفری وجود دارد که خانواده زندانی می‌توانند چند روز را با

زندانی در آن به سر برند. گاهی تا چهاربار در سال امکان این نوع ملاقات فراهم می‌شود. تعداد این نوع ملاقات به تعداد زندانیان و امکانات و سوئیت‌های موجود بستگی دارد.

د) ملاقات نوع سوم غیر از ملاقات‌های زناشویی است که در بسیاری از کشورها وجود دارد و در ایران با عنوان ملاقات ویژه یا ملاقات شرعی انجام می‌گیرد. ارتباط زندانی با جهان خارج از عوامل مؤثر در بهبود روانی زندانی، زندانبان و خانواده‌ها و محیط زندان است (باقی، ۱۳۸۴).

طرد اجتماعی (درونی و بیرون): طرد شایع‌ترین و پذیرفته‌شده‌ترین نظریه درباره پيامدهای زندانی شدن فرد است. در بسیاری از کتاب‌ها و مقالات به زبان‌های گوناگون به این مسئله اشاره شده است. بیش از ۴۰ درصد زندانیان پس از اولین آزادی با بی‌اعتنایی یا طرد از خانه مواجه شده‌اند. طرد خانوادگی برای افرادی که باسوادترند بیشتر رخ می‌دهد، اما کارفرمایان و مزدبگیران بخش خصوصی پس از اولین زندانی شدن کمتر با طرد خانوادگی مواجه شده‌اند (عبدی، ۱۳۸۱: ۸۴ و ۱۳۸۳: ۱۶۸-۱۶۹). البته این طرد فقط از سمت جامعه به زندانی صورت نمی‌گیرد، بلکه جامعه ممکن است در برابر اعضای خانواده زندانی هم با بدبینی یا احتیاط برخورد و با دوری‌گزینی رفتار کند. این نوع طرد اغلب عمیق‌تر می‌شود و به نوع دیگری درون خانواده زندانی هم رخ می‌دهد، به‌صورتی که معمولاً آن‌ها زندانی بودن عضو خانواده را حتی از بستگان و گاه از فرزندان کوچک پنهان می‌کنند و برای مثال اغلب به فرزندان خردسال می‌گویند پدرش در سفر یا مأموریت است. نکته دیگر اینکه هرچه جامعه بسته‌تر باشد، طرد شدیدتر است و در جامعه بزرگ به دلیل اینکه امکان جابه‌جایی و پنهان شدن وجود دارد، طرد هم ضعیف‌تر از جامعه بسته و کوچک است. همچنین، در جوامع باز هنجارها و نگرش‌های توسعه‌یافته‌تر ممکن است آثار کاهنده بر پدیده طرد اجتماعی داشته باشد؛ بنابراین، توسعه‌یافتگی سیاسی و فرهنگی جوامع و تغییر نگرش در آن‌ها با کاهش این آسیب ارتباط دارد.

برچسب اصطلاحی است که در روان‌شناسی بیشتر به کار رفته و از آنجا به جامعه‌شناسی هم راه یافته است، اما نظریه‌های دیگری هم هستند که کم‌وبیش همان مفهوم را بیان می‌کنند؛ مانند نظریه طرد و نظریه داغ. گافمن از جامعه‌شناسانی است که در این زمینه مفاهیمی را ابداع کرده است. برخی از این مفاهیم عبارت‌اند از: «هویت اجتماعی»، «نقش» و «داغ». داغ یا ننگ به مسئله هویت‌های خدشه‌دار شده اشاره دارد. به نظر گافمن، افراد از دو نوع داغ یا ننگ رنج می‌برند: یکی داغ بی‌اعتباری^۱ و دیگری داغ احتمال بی‌اعتباری^۲. داغ بی‌اعتباری به مسئله‌ای اشاره می‌کند که افراد

در آن از هویتی ننگ‌آلود در گذشته و از ظاهر یا شخصیت خود رنج می‌برند. در این نوع داغ، کنشگر می‌داند که مخاطبان از هویت ننگ‌آلود خبر دارند و در نتیجه وی می‌کوشد در کنش‌هایش این مسئله را مدیریت کند و از تنش‌های آن جلوگیری کند، اما داغ احتمال بی‌اعتباری هنگامی است که دیگران از هویت وی خبر ندارند و این احتمال وجود دارد که به آن پی برند. در این مورد، کنشگر می‌کوشد آن موضوع را پنهان کند یا به‌گونه‌ای سامان دهد که همچنان پنهان بماند. گافمن در کتاب معروف خود به نام *داغ* باور دارد که همه ما از نوعی داغ رنج می‌بریم و می‌کوشیم آن را در کنش‌هایمان پنهان کنیم (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۹۸). خانواده زندانیان از وجود برچسب خانواده زندانی رنج می‌برند و آن را داغی می‌دانند که می‌کوشند برای جلوگیری از عوارضی چون طرد اجتماعی نقل مکان کنند و در گمنامی به سر برند. مسئله پنهان‌کاری درباره زندانی بودن یکی از والدین پدیده‌ای شایع است و فقط مختص ایران یا کشورهای دیگر نیست و تقریباً در همه‌جا متداول است. دو مورد پژوهش در دیگر کشورها نشان می‌دهد تقریباً به یک‌سوم از کودکان زندانیان درباره محکومیت پدرانشان دروغ می‌گویند، به یک‌سوم سخنان بیهوده می‌گویند و فقط به یک‌سوم در این مورد اطلاعات درست می‌دهند. ریچاردز در سال ۱۹۹۴ دریافت که در کمتر از نیمی از خانواده زندانیان، تمام کودکان درباره محکومیت پدران یا مادران خود اطلاع داشتند (فرقدان، ۱۳۸۹: ۳۱).

از ناکارآمدی تا بدآموزی زندان و تأثیرش در خانواده: درباره تأثیرات منفی و معکوس زندان در دهه‌های اخیر به‌وفور سخن گفته شده است (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۴۴-۱۴۵، گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۷۰-۱۷۱، آنسل، ۱۳۶۶؛ علوی، ۱۳۹۰: ۱۲۹؛ عبدی، ۱۳۸۱: ۸۷-۸۸). هم‌زمانی درباره بدآموزی زندان در حدی است که محققان در سراسر جهان بر این نکته اجماع دارند. بررسی وضع زندان‌ها و جرم در کشورهای مختلف نشان می‌دهد یکی از کانون‌های اصلی شکل‌گیری باندهای قاچاق و شرارت و کلاهبرداری زندان‌ها هستند. زندان به گفته برخی نویسندگان مدرسه آموزش جرم است (آشوری، ۱۳۸۲). بدآموزی زندانی به او محدود نمی‌ماند و مطالعات نشان می‌دهند که احتمال کجروشدن فرزندان و نزدیکان زندانیانی که دچار بدآموزی زندان شده‌اند بیش از دیگران است.

پیش‌بینی روند آینده و مخاطرات و چالش‌های احتمالی موضوع: بررسی‌های آماری نشان می‌دهد روند زندانی شدن در ایران صعودی بوده است، به‌صورتی که از ۲۲۴۰۰ نفر زندانی در سال ۱۳۵۹ به حداقل ۲۲۰ هزار زندانی در سال ۱۳۹۱ (طبق آمار مرکز بین‌المللی مطالعات زندان)

رسیده است؛ یعنی درحالی که آمار جمعیت کشور کمی بیش از دوبرابر شده است، آمار زندانیان ده برابر شده است. ادامه این روند مسئله زندان و خانواده زندانیان را نه تنها به یک بحران که به منبع برخی بحران‌های اجتماعی تبدیل می‌کند. نشانه‌های این بحران از حالا آشکار شده است. رشد پدیده تکرار جرم، بازگشت مجدد به زندان و فزونی گرفتن آمار محکومان به اعدام و اعدام‌های انجام گرفته در چند سال اخیر و تأثیرات ویرانگر آن، بیانگر تبدیل شدن این نوع مجازات به یکی از منابع شکاف دولت-ملت و ایجاد بدبینی و بی‌اعتمادی و ناکارآمدی زندان بوده است که بر این اساس باید راهکارهای مؤثری اندیشیده شود.

هرچه آمار زندانیان افزایش یابد، ابعاد پیامدهای منفی زندان بر خانواده‌های زندانیان نیز به همان نسبت بزرگ‌تر می‌شود. با لحاظ کردن نرخ فزاینده رشد تورم و بیکاری در دهه هشتاد تا اوایل دهه نود شمسی، وقتی خانواده‌ای در این شرایط اقتصادی بی‌سرپرست شود، دچار فقر مضاعف و تنگناهای شدیدتری نسبت به سایر خانوارهای هم‌پایگاه می‌شود. چشم‌انداز اقتصادی پیش رو نشان می‌دهد اگر تورم و بیکاری افزایش نیابد، در آینده نزدیک کاهش هم نمی‌یابد؛ بنابراین، پیش‌بینی می‌شود روند کنونی رو به رشد جمعیت زندانیان از نظر پیامدهای ویرانگر اقتصادی بر خانواده‌ها، وسیع‌تر باشد.

راهکارها

راهکارهای مورد نظر نخست برای نهادهای درگیر در مسئله و دوم برای نهادهای قانونگذاری و اجرایی است.

مهم‌ترین سازمان‌های ذی‌ربط به ترتیب عبارت‌اند از: سازمان اقدامات تأمینی و تربیتی (موسوم به سازمان زندان‌ها)، انجمن حمایت زندانیان (که هیئت‌مدیره آن از دادستان و رئیس سازمان زندان‌ها و چند معتمد محلی تشکیل می‌شود)، کمیته امداد امام، سازمان امور بهزیستی. بخشی از نارسایی و ناکامی آن‌ها در کارکردهایی که بر عهده دارند ناشی از برنامه‌ها و سیاست‌های کلان است و بخشی دیگر هم ناشی از ضعف‌های درونی خود آن‌هاست که نقد عملکرد آن‌ها نیازمند اجرای طرح تحقیقی مستقلی است. در میان نهادهای درگیر در این موضوع جای ارگان‌های دولتی دیگر و ارگان‌های نیمه‌دولتی مانند شورای شهر و شهرداری‌ها و به‌ویژه جای نهادهای مدنی که ساختاری داوطلبانه و بسیار کم‌هزینه دارند، خالی است، درحالی که مشارکت آن‌ها در نظارت و مدیریت زندان و پیامدهای آن به‌ویژه در مورد خانواده‌ها یکی از مهم‌ترین راه‌های کنترل وضعیت است.

روند افزایشی آمار زندانیان در جهان و ایران از یک سو (عبدی، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۸ و ۱۳۸۳: ۱۵۹-۱۶۰) و ناکارآمدی زندان از سوی دیگر و اینکه اگر هم کارآمد باشد با «منطق هزینه و فایده»، کارایی اجتماعی و اقتصادی ندارد، موجب اتخاذ راهکارهایی اجتناب‌ناپذیر در این زمینه شده است. در ادامه، با بهره‌گیری از تجارب و مطالعات و از جمله پژوهش حاضر چند راهکارها پیشنهاد می‌شود.

۱. در سطح کلان

۱-۱. **تعیین مدل کیفری:** مدل کنترل جرم که سرکوب جرم را به همراه دارد از یک سو موجب کاهش تعداد زندانیان و بازپروری نمی‌شود و از سوی دیگر عوارض آن بر خانواده‌ها و جامعه شدیدتر است، اما مدل تشریفات دادرسی که براساس بازپروری و احیای مجرم قرار دارد، به رابطه زندانی و خانواده اهمیت می‌دهد و در نتیجه عوارض تخریبی‌اش کمتر است.

مدل «کنترل جرم» مبتنی بر حقوق تنبیهی است و در آن «مصلحت عامه» بر «حقوق فردی» برتری دارد و جلوگیری از جرم مهم‌ترین وظیفه قوه قضاییه است و دادگاه به جای حمایت از حقوق متهم باید بر احقاق حقوق قربانیان متمرکز شود و دست پلیس برای تحقیق و بازرسی و... باید باز باشد. به همین دلیل، تمام رویه دادرسی یک پرونده از بدو جلب متهم تا نحوه برگزاری دادگاه، تحت تأثیر همین «مأموریت» دستگاه قضایی شکل گرفته است. در این سیستم، دغدغه اصلی دستگاه قضایی بیش از آنکه «اعمال قانون» باشد، کشف حقیقت و اثبات جرم واقعی متهم و حفظ اقتدار دستگاه قضایی است، اما مدل «دادرسی عادلانه» مبتنی بر حقوق ترمیمی است و هدفش احیای بزهکار است و بر حقوق متهم متمرکز می‌شود. این مدل براساس ارجحیت «حقوق اساسی متهم» و ضرورت مهار قوای قهریه بنا شده است (هافمن، بی تا: ۱۰-۱۲).

نکته کلیدی توجه به فلسفه زندان در جهان مدرن است. در گذشته که پارادایم نظام حقوقی، حقوق تنبیهی بود، فلسفه زندان، مجازات و تنبیه و انتقام از مجرم و اعمال درد یا نقص بر مجرم بود. در جهان مدرن، پارادایم نظام حقوقی، حقوق ترمیمی است و مجرم را نه یک جانی یا مجرم بالفطره بلکه یک بیمار می‌دانند یا او را قربانی مناسبات و مدیریت‌های نادرست اجتماعی یا خانوادگی تلقی می‌کنند و این نکته را در نظر می‌گیرند که امکان داشت هر مجرمی با وجود یا فقدان یک حادثه یا لحظه یا عامل در زندگی‌اش مسیری دیگر بییماید و به جای یک مجرم، یک شهروند فعال و مفید باشد؛ بنابراین، در جهان مدرن انسجام اجتماعی از نوع ارگانیکی مبنای روابط

اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی است. فلسفه زندان عبارت است از بازپروری حتی اگر این بازپروری درباره عده‌ای از زندانیان ناکام بماند. در این سیستم، زندانبان باید خود را یک امانتدار بداند و آگاه باشد که هدف از زندان، تنبیه نیست، بلکه دور نگهداشتن مجرم از جامعه و ممانعت از آسیب‌رساندن به دیگران است؛ بنابراین، او خود را نه یک مأمور عذاب، بلکه باید امانتداری بداند که هدفش بازپروری زندانی است.

حجم شکایات وارده به نهادهای مرتبط (مانند کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، کمیسیون حقوق شهروندی دادگستری، کمیته حقوق بشر قوه قضاییه، همچنین نهادهایی چون کمیسیون حقوق بشر اسلامی و انجمن دفاع از حقوق زندانیان و نیز اخبار و گزارش‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای) نشان می‌دهد رفتار با زندانیان و خانواده‌ها مطلوب و متناسب با قوانین و مقررات موجود نیست (اطلاعات میدانی محققان). در چارچوب فلسفه بازپروری و ترمیمی، باید رفتار زندانبان با خانواده زندانی محترمانه باشد. خانواده زندانی نسبت به خود زندانی رنج بیشتری را تحمل می‌کند و یکی از نقدهای اساسی بر زندان این است که خانواده زندانی نیز به تبع حبس او، به‌طور مضاعف مجازات می‌شود؛ زیرا رنج دوری زندانی، نگرانی درباره وی، محرومیت‌های ناشی از نبود زندانی به‌ویژه اگر سرپرست خانوار باشد، مشقت تأمین هزینه‌های زندانی، پیگیری امور حقوقی او و ملاقات با زندانی را متحمل می‌شوند و در زمینه زندانیان بزهکار، احساس تحقیر و سرزنش دیگران را نیز به جان می‌خرند. در نتیجه، رعایت حرمت خانواده که جرمی ندارند و شرایط دشوارتری را تحمل می‌کنند ضروری است (باقی، ۱۳۸۷: ۷۲) که براین اساس از آثار تخریبی بر خانواده زندانیان و در نتیجه بر جامعه کاسته می‌شود. تحقق این مهم نیز در گرو انتخاب رویکرد ترمیمی و مدل کیفری مناسب است.

۲-۱. شفاف‌سازی و ارائه آمار و اطلاعات واقعی: پنهان‌سازی واقعیت‌ها راه را برای شناخت

علمی و تحلیل مسئله و یافتن راهکارها مسدود می‌کند و در نتیجه معضلات بر جای خود باقی می‌مانند و به آسیب پایدار تبدیل می‌شوند و هزینه‌ها را افزایش می‌دهند و به بحران‌های لاعلاج تبدیل می‌کنند. نمونه مسئله یادشده حذف آمار زندانیان از منابع رسمی است که امکان بررسی را از محققان سلب می‌کند و ابعاد مشکل را پنهان می‌سازد و نمی‌توان کمیت و کیفیت تعداد جمعیت و خانوار درگیر با پدیده را دریافت. پنهان‌کاری اطلاعات از دو نظر زیان‌آور است: یکی از دسترس خارج کردن اطلاعات و آمار برای شناخت علمی مسائل و آسیب‌های اجتماعی و راه‌حلیابی و دوم بسترسازی برای شایعه و رواج اطلاعات غلط که موجب کاهش سطح اعتماد اجتماعی نسبت به نهادها و رسانه‌ها می‌شود و مشکلات را دوچندان می‌سازد.

۲. در سطح میانی

۲-۱. انسانی‌تر کردن شرایط زندان با توجه به تأثیرات محیط فیزیکی بر روان و اخلاق فرد:

انسانی‌تر کردن شرایط آن‌گونه که از عنوان سازمان حمایتی ذی‌ربط برداشت می‌شود: «سازمان اقدامات تأمینی و تربیتی». تحقق این وظیفه با تسهیلات بیشتر برای ملاقات و تلفن و مرخصی امکان‌پذیر می‌شود.

۲-۲. توانمندسازی خانواده: تقویت مدیریت خانواده و اصلاح الگوی ساختار قدرت در این نهاد بنیانی مانند آموزش دموکراسی گفت‌وگویی و مدارای متقابل، برای رویارویی با مشکلات و پیچیدگی‌های جامعه امروزی. امروزه اصطلاح «خانواده‌درمانی» بیانگر نقش کلیدی خانواده در پیشگیری از مشکلات اجتماعی از جمله بزهکاری و پدیده زندان است. مقوله توانمندسازی خانواده ارتباطی مستقیم با موضوع بحث ندارد و یک راه‌حل کلی برای جامعه است و جنبه پیشگیرانه و جلوگیری از زندانی‌شدن افراد دارد، اما بی‌تردید خانواده‌ای که یکی از اعضایش زندانی شده باشد، از جهات متعدد احساس ضعف و ناتوانی می‌کند و توان انتخاب را در بسیاری از زمینه‌ها از دست می‌دهد؛ بنابراین، کوشش برای تقویت اعتمادبه‌نفس و قدرت انتخاب در چنین خانواده‌هایی ضرورتی غیرقابل‌انکار ارزیابی می‌شود. مواردی مانند ارائه خدمات مشاوره‌ای توسط نهادهای مدنی و نیز سازمان زندان‌ها برای خانواده زندانیان، تأمین معاش خانواده، تأمین اقتصادی همسر در زندان، کمک به رفت‌وآمد به زندان‌های دور از شهر، کوشش برای تغییر نگرش به خانواده زندانی و سایر حمایت‌ها در این پژوهش بررسی شده است که می‌توان در فرایند بازتولید مسئله زندانی و پیامدهای آن بر خانواده زندانی به آن‌ها توجه کرد. در نتیجه، توجه به مقوله توانمندسازی خانواده زندانیان اهمیت می‌یابد.

۲-۳. زندان باز: این نوع زندان‌ها مقررات بازتری در مقایسه با زندان‌های بسته دارند. در این نوع زندان‌ها، امکان اشتغال برای زندانی و کسب درآمد وجود دارد. هرچند دستمزدهای پیش‌بینی‌شده از تعرفه‌های رسمی تبعیت نمی‌کنند و گاه به کمتر از نیمی از تعرفه‌های موجود می‌رسند، حداقل هزینه‌های زندانی را در داخل زندان تأمین می‌کنند و بار سنگین آن را از دوش خانواده برمی‌دارند. همچنین، زندان موظف است درصدی از این درآمد را به حساب خانواده زندانی واریز کند، درحالی‌که در زندان بسته امکان چنین فعالیت و درآمدی وجود ندارد. زندان‌های باز نیز به‌طور کلی عوارض زندان را از بین نمی‌برند، اما به‌دلیل فراهم‌ساختن امکان ارتباط بیشتر زندانی با خانواده از یک‌سو و جلوگیری از تخریب گسترده‌تر روانی برای زندانی از سوی دیگر

موجب کاهش آثار تخریبی زندان بر خانواده زندانی و بر جامعه می‌شوند و از این نظر کارآمدتر از زندان‌های بسته ارزیابی می‌شوند. مسئولان از دیرباز به این راهکار توجه داشته‌اند، اما تاکنون در عمل پیشرفت درخوری در این زمینه نداشته‌اند. در ماده ۲ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، دولت مکلف است ظرف پنج سال از تاریخ تصویب این قانون اقدام به تشکیل مؤسساتی کند که برخی از این مؤسسات عبارت بودند از مراکز معالجه مجرمان معتاد به استعمال الكل و مواد مخدر کارگاه‌های کشاورزی و صنعتی. در ماده ۶ این قانون مقرر شد هرگاه کسی مرتکب جنحه یا جنایت شود که مجازات قانونی آن حبس است، دادگاه می‌تواند ضمن حکم مجازات، در صورت وجود شرایط لازم، مجازات معین شده درباره او را بلا اجرا بگذارد و دستور نگهداری او را در یک کارگاه کشاورزی یا صنعتی برای مدتی نامعین بدهد.

۴-۲. حمایت نهادهای مدنی: یکی از منابع اصلی اختلال‌های ناشی از زندانی شدن فرد در خانواده و پیامدهای تخریبی آن در جامعه، نبود نهادهای مدنی و حمایتگر است. فلسفه جامعه مدنی ویژگی‌هایی دارد که اهم آن التیام‌بخشی است. جامعه مدنی شکاف دولت و ملت را پر می‌کند. وجود نهادهای مدنی که حمایت حقوقی و مشاوره روانی و پزشکی و حتی در موارد ضروری حمایت‌های مادی داشته باشند، نقشی بسزا در کاهش عوارض سوء زندان بر خانواده جامعه دارد.

۵-۲. نقش رسانه‌ها: اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی و تحلیل مسائل از آشکارترین نقش‌های رسانه‌ها اعم از نوشتاری و دیداری و شنیداری است و با مشارکت آن‌ها بسیاری از مسائل اجتماعی را می‌توان بهینه‌تر و پایدارتر حل و رفع کرد. از جمله در زمینه زندان، نقش رسانه‌ها در تغییر نگرش‌ها در مردم و در قانونگذاران و قوه قضاییه تعیین‌کننده است.

۳. سطح خرد

۱-۳. مجازات جایگزین حبس در فرایند اصلاح قوانین کیفر (مانند دستبند الکترونیکی و...): این تدبیر البته ایده بدیعی نیست و در دوره ۱۳۷۸-۱۳۸۸ مدیریت قوه قضاییه مطرح بود. در همان دوره، لایحه مجازات جایگزین زندان از سوی قوه قضاییه به منظور بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد و در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس بررسی شد. این لایحه مجازات اجتماعی جایگزین زندان را به دوره‌های مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه و محرومیت موقت از حقوق اجتماعی تفکیک می‌کند که با مشارکت مردم و نهادهای مدنی اعمال

می‌شود. براساس مفاد این لایحه، دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن دادگاه فرد را با رعایت شرایطی، حداکثر سه سال به اجرای یک یا چند مورد از دستورات زیر محکوم می‌کند:

۱. اقامت در محل معین، ۲. منع اقامت یا تردد در محل یا محل‌های معین، ۳. حرفه‌آموزی یا گذراندن دوره‌های آموزشی و مهارتی، ۴. ارائه خدمات به بزه‌دیده در راستای رفع یا کاهش آثار زیانبار مادی یا معنوی ناشی از جرم یا رضایت بزه‌دیده، ۵. معرفی خود به شخص یا مقام یا مراکز یا نهادهایی که دادگاه تعیین می‌کند، ۶. خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترک واجبات، ۷. ترک معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آن‌ها را برای محکوم‌علیه مضر تشخیص می‌دهد یا منع اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌کنند، ۸. الزام به فراگیری آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی و پایبندی به آن، ۹. اقدام به درمان اختلال‌های روانی-رفتاری و جسمانی خود. کلیات لایحه مجازات اجتماعی جایگزین زندان که در شش فصل، مواد عمومی، دوره مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی و مواد مترقیه و ۳۲ ماده تنظیم شده بود، در جلسه چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۸۷ با ۱۵۵ رأی موافق و ۶ رأی مخالف تصویب شد و منتظر تصویب نهایی بود، اما سال‌ها در مجلس بلا تکلیف ماند تا اینکه با نهایی شدن قانون مجازات اسلامی جدید قسمت‌هایی از لایحه مجازات جایگزین نیز در قانون جدید مجازات اسلامی ادغام شد.

جایگزین‌های جبرانی: طبق بند ۱ ماده ۴۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری فرانسه، قانونگذار برای دادستان این اختیار را قائل شده است که اگر با لحاظ شخصیت مجرم از یک‌سو و جرم ارتكابی از سوی دیگر تعقیب را مناسب نداند- و به عبارت دیگر تعقیب و مجازات متهم راه‌حل مطلوب برای پایان به اخلاقی که در نظم جامعه بر اثر ارتکاب جرم وارد آمده نباشد- بتواند از راه‌حل‌های جایگزین استفاده کند. همچنین، دادستان مجاز است پیش از تصمیم‌گیری نسبت به اقامه یا عدم اقامه دعوی عمومی، به‌تنهایی یا از طریق نماینده خود اقدام‌های برشمرده شده در این ماده را مانند «فراخوانی به رعایت قانون» انجام دهد (آشوری، ۱۳۸۲). این تدبیر جایگزین که قدیمی‌ترین و متداول‌ترین اقدام است، از دیرباز در دادرسی با عنوان «تذکر مقررات قانونی» به‌کار گرفته شده است.

۲-۳. اعمال مجازات متناسب با وضعیت روحی و جسمی برای زنان: برای زنان تمهیداتی اندیشیده شود و اصل بر این باشد که تا حد امکان دوره حبس خود را در خانه بگذرانند و از دستبند الکترونیکی استفاده شود. در قرآن نیز اولین مجازات برای زنان شوهرداری که مرتکب

خیانت جنسی می‌شوند حبس در خانه است، اما در دوره کنونی این اقدام باید با دستور قضایی و پس از تشریفات دادرسی عادلانه و با نظارت مراجع قانونی باشد تا مانع مجازات خودسرانه شود.

«وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» (نساء، ۱۵) و از زنان شما، کسانی که مرتکب زنا می‌شوند، چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه بگیرید پس اگر شهادت دادند، آنان [زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرارسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد.»

مفسران قرآن و فقها واژه امساک در این آیه را به معنای حبس و زندان دانسته‌اند (منتظری، ۱۳۷۹: ۳۷-۳۸). در کتاب *بدائع السالك قاضی ابن ازرق* به نقل از ابن فرحون و او نیز به نقل از این قیم جوزیه آمده است حبس شرعی این نیست که آدم را در یک جای تنگ زندانی کنند، بلکه بازداشت شخص و منع او از تصرف است چه در یک خانه باشد چه در مسجد (همان، ۳۰). البته در آیه یادشده حتی منع تصرف هم وجود ندارد و فقط حبس در خانه است. هرچند این حد از مجازات هم بعدها تعدیل شد. در اینجا، هدف ارزیابی و نقد این نوع مجازات نیست، بلکه فقط استفاده از مجازات حبس در خانه با بهره‌گیری از دستبند الکترونیکی برای برخی از زنان مجرم پیشنهاد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مسئله پیامدهای زندان بر خانواده‌ها، به‌رغم اهمیت و گستردگی‌اش کمتر از سایر مسائل و موضوعات مرتبط با زندان مورد توجه محققان به‌ویژه در ایران بوده است و موانع دسترسی محققان به مطالعات میدانی در زندان و نبود داده‌های رسمی و معتبر و کافی از دلایل آن بوده است. با توجه به آمار تقریبی، تعداد زندانیان ثابت ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر و تعداد زندانیان در گردش ۱۴۰۰۰۰۰ تا ۱۶۰۰۰۰۰ هزار نفر بوده است. با لحاظ کردن بعد جمعیت خانوار می‌توان به‌صورت تقریبی گفت از هر ۲۰ نفر، یک نفر به‌نوعی با مسئله زندان درگیر است. از این طریق می‌توان ابعاد تأثیر زندانی شدن افراد را بر خانواده و جامعه درک کرد. این پیامدها ابعاد فردی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارند و شدت و ضعف آن‌ها به عوامل مختلف مانند نوع جرم زندانی، مدت محکومیت، وجود یا فقدان ارگان‌های حمایتی و نیز نوع برخورد جامعه با زندانی و خانواده او بستگی دارند. مسئله طرد اجتماعی و برچسب‌زنی از شایع‌ترین رویکردها در مورد زندانی و خانواده او است.

با توجه به مبحث پیش‌بینی روند آینده و مخاطرات و چالش‌های احتمالی و همچنین اعلام رسمی مقامات قضایی مبنی بر اینکه آمار پرونده‌های وارده به قوه قضاییه از مرز ۱۵ میلیون گذشته و هشدار درمورد آن، این روند مسئله زندان و خانواده زندانیان را نه تنها به یک بحران که به منبع برخی بحران‌های اجتماعی تبدیل می‌کند. نظریه کنترل اجتماعی نیز این وضعیت را ناشی از ضعف در فرایند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی می‌داند. این وضعیت همچنین نشانه افول سرمایه اجتماعی یا عناصر پیونددهنده افراد به یکدیگر و جامعه است و به تعبیر دیگر نشانه ضعف چهار متغیر کنترل‌کننده رفتار اجتماعی است که عبارت‌اند از ۱. دل‌بستگی، ۲. تعهد، ۳. مشارکت، ۴. باور. همچنین، این روند جامعه‌پذیری را با اخلال جدی مواجه می‌کند. از این رو، توجه به راهکارهای ارائه‌شده اهمیت می‌یابند.

تسهیل ارتباط مستمر زندانی با خانواده و با جهان بیرون از زندان از عوامل مؤثر بر تقلیل پیامدهای منفی زندانی شدن فرد بر خانواده است. باید به راهکارهای مطرح‌شده در پایان پژوهش در سه سطح کلان، میانی و خرد که تأکید بر افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت نهادهای مدنی و حمایتی از جمله آن‌هاست، به عنوان بخشی از راهکارهای کاهش پیامدهای منفی زندان بر خانواده و جامعه توجه شود. همچنین، رسانه‌ها در اصلاح نگرش‌های جامعه به مسئله جرم، زندان، خانواده زندانی و شیوه کنترل جرم، در ذهنیت مردم و مدیران نقشی تعیین‌کننده دارند.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، جایگزین زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران: نشر گرایش.
- آنسل، مارک (۱۳۶۶)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی نجفی ابرندآبادی، تهران: راهنما.
- آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ رئیس قوه قضاییه.
- اجلالی، پرویز (۱۳۸۳)، «نگاهی به آمار جرایم در ایران»، مجموعه مقالات: آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، تهران: نشر آگه.
- احمدی، حبیب و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر مجازات مجرمین موادمخدر بر کیفیت زندگی خانواده‌های آنان: مورد مطالعه خانواده‌های زندانیان موادمخدر شهر شیراز»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱: ۱-۱۹.
- ایمان، محمدتقی و مرادی، گل‌مراد (۱۳۹۰)، «روش‌شناسی نظریه اجتماعی گافمن»، فصلنامه زن و جامعه، شماره ۲: ۵۹-۷۸.
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۳)، روحانیت و قدرت، تهران: نشر سرایی

- _____ (۱۳۹۳)، *دنیای بسته (جامعه‌شناسی و روان‌شناسی زندان از درون)*، تهران: سرایی.
- فردان، علی اصغر (۱۳۸۹)، «تأثیر محکومیت زندان بر خانواده‌ها و کودکان زندانیان»، *ماهنامه اصلاح و تربیت*، شماره ۹۸: ۷-۹.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی کجروی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عبدی، عباس (۱۳۸۱)، «مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۷۷-۹۱.
- علوی، بزرگ (۱۳۹۰)، *ورق‌پاره‌های زندان*، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، *مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مازلو، ابراهام اچ (۱۳۶۷)، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- محمود خلیفه، محروس (۱۹۹۷)، *رعایه المسجونین و المفرج عنهم و أسرهم فی المجتمع العربی*، الرياض: أكاديمية نايف العربية للعلوم الامنية، ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۷ م.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، *سالنامه آماری کشور ۱۳۸۶*، تهران: مرکز آمار ایران، دفتر روابط عمومی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)، *سالنامه آماری کشور ۱۳۸۷*، تهران: مرکز آمار ایران، دفتر روابط عمومی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، *سالنامه آماری کشور ۱۳۸۸*، تهران: مرکز آمار ایران، دفتر روابط عمومی.
- *مجمع تشخیص مصلحت نظام*، آمار سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سه‌شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۲ <http://old.maslahat.ir>، ۱ اردیبهشت ۱۳۹۳.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ج ۴، تهران: نشر سرایی.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷)، *طرح ملی پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در ایران*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- موریس، نوروال و دیوید ج. روتمن (۱۳۹۰)، *سرگذشت زندان (روش مجازات در جامعه غرب)*، ترجمه پرتو اشراق، تهران: انتشارات ناهید.
- منادی، مرتضی، *جامعه‌شناسی خانواده: تحلیل روزمره‌گی و فضای درون خانواده*، تهران: انتشارات دانژه. ۱۳۸۵.
- نیکپور قنواتی، لیلا و احمدی، حبیب (۱۳۸۹)، «تأثیر زندانی‌شدن محکومین به جرایم موادمخدر بر وضعیت بهداشت روان زنان آن‌ها»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۱: ۱۴۳-۱۵۸.

مصاحبه‌ها

- باقی، عمادالدین (۱۳۸۳)، «تبدیل «حق» به «امتیاز»، روزنامه اعتماد ملی، شنبه ۳ مرداد ۱۳۸۸، روزنامه‌های توسعه و شرق مورخ ۸۳/۱۲/۲۶.
- _____ (۱۳۸۷)، «زندانبانی و جامعه مدنی»، *مجله شهروند امروز*، شماره ۴۴: ۶.
- _____ (۱۳۹۲)، «مسئولان تکلیف خود را با مدل کنترل جرم مشخص کنند»، *روزنامه آسمان*، شماره ۳: ۹.
- _____ (۱۳۸۴)، «مرخصی زندانیان «حق» یا «امتیاز»، *روزنامه شرق*، شماره ۲۲ اسفند ۱۳۸۴: ص ۱
- بنیانیان، زهرا (۱۳۹۲)، «۵۵ درصد زنان معتاد در ایران متأهل هستند»، *خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)*، ۱۴ اسفند.
- ربیعی و همکاران (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر اعطای ملاقات ویژه زندانیان در کاهش جرایم و تخلفات داخل زندان»، سایت aftabir.com، ۲۹ اردیبهشت.
- سلیمانی، اکبر (۱۳۸۵)، «اثرات زندان بر زندگی اجتماعی زندانی و خانواده او»، *روزنامه حمایت*، سه شنبه ۲۹ اسفند.
- سلیمی، سامرند (۱۳۹۱)، «مشکلات خانواده یک زندانی را می‌دانید؟»، *هفته‌نامه سلامت*، شماره ۷۱، چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت.
- صادقی، سیدمحسن (۱۳۹۱)، «سالانه ۱۱ میلیون پرونده قضایی در دادگاه‌ها تشکیل می‌شود»، *روزنامه ابتکار*، شماره ۲۵۰۰، سه‌شنبه ۱۲ دی‌ماه.
- شهریار، حمید (۱۳۹۲) «افزایش ورودی پرونده‌ها در شعب دیوان عالی کشور؛ سرقت مستوجب تعزیر و مطالبه طلب بیشترین درخواست مردم» سایت سردبیر، ۲ تیر ۱۳۹۲ sardabir.com/websearch/22802.html
- علیزاده، عباسعلی (۱۳۸۷)، «پرونده تخلفات اداری در سال ۸۶ نسبت به سال قبل ۱۲ درصد رشد داشته است»، *روزنامه مردم‌سالاری*، شماره ۱۹۴۴، ۲۶ آبان: ۲.
- علمی، توانا (۱۳۹۱)، «کاهش ۱۳ درصدی آمار زندانیان ایران طی یک سال»، *روزنامه خراسان*، شماره ۱۸۳۳۸، دوشنبه ۲۳ بهمن.
- غنی، مهدی (۱۳۸۸)، «زندان با زندانی چه می‌کند»، *روزنامه اعتماد*، دوشنبه ۳۰ شهریور.
- محمدی فرود، حمید (۱۳۹۲)، *سایت سازمان زندان‌ها*، ۲۰ اسفند، به آدرس prisons.ir/index.php?Module=SMMArticles&SMMOp=View&SMM_CMD=&PageId=47
- Coleman, J. (1988), "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, No. 94: S95-S120.
- Putnam, R. (1994), "What Makes Democracy Work?", *Review*, No. 1: 31-34.
- Rose, R. (1999), *Getting Things Done in an Anti-Modern Society: Social Capital and Networks in Russia*, Social Capital Initiative Working Paper No. 6. Washington, DC: The World Bank.
- Hoffman, D. (2000), *Criminal Justice*, New York: IDG Books Worlde wide.

- Goffman, E. (1961). *Asylums*.(ed) D, **Cressey**, New York: Holt, Reinhart & Winston.
- Cunningham, A. (2001), "Forgotten Families the Impacte of Imprisonment, **Family matters**, No. 59: 35-38.
- ACT Legislative Assembly (2004), **The Forgotten Victims of Crime: Families of Offenders and Their Silent Sentence**, Canberra: Australian Capital Territory Legislative Assembly.
- Action for Prisoners Families (2007), **Research on Prisoners' Families**, <http://www.prisonersfamilies.org>.
- Browne, D. (2005), **Research on Prisoners' Families– Building an Evidence Base for Best Policy and Practice**, Action for Prisoners' Families, <http://www.prisonersfamilies.org>.
- Deane, H. (1988), **The Social Effects of Imprisonment on Male Prisoners and Their Families**, Wellington: Institute of Criminology (Victoria University of Wellington).
- Department of Corrections (2003), **Census of Prison Inmates and Home Detainees**, <http://www.corrections.govt>.
- Hairston, C. (1991), "Family Ties During Imprisonment: Important to Whom and for What?", **Journal of Sociology and Social Welfare**, No. 18 1: 87-104
- Hairston, C. F. (2003), **Prisoners and Their Families: Parenting Issues During Incarceration**, In Travis, J. and Waul, M. (eds.), *Prisoners Once Removed: The Impact of Incarceration and Reentry on Children, Families and Communities*, Washington, D.C: The Urban Institute Press.
- Johnston, D. (1995), "Child Custody Issues of Women Prisoners: A Preliminary Report from the CHICAS Project", **The Prison Journal**, No. 75 (2): 222-239.
- Kingi, V. (1999), **The Children of Women in Prison**, PhD thesis, Wellington: Victoria University of Wellington.
- Light, R. and Campbell, B. (2006), "Prisoners' Families: Still Forgotten Victims?", **Journal of Social Welfare and Family Law**, No. 28: 297-308.
- Mills, A. (2004), **Great Expectations?: A Review of the Role of Prisoners Families**, Paper Presented to British Criminology Conference, Portsmouth, 30 July 2004.
- Mills, A. and Codd, H. (2007), **Prisoners Families**, In Jewkes, Y. (ed.), *Handbook on Prisons*, Devon: Willan Publishing: 672-695
- Morris, P. (1965), **Prisoners and Their Families**, London: George Allen & Unwin Ltd.
- Moris norval and Rothman. David. J. (1995), **The Oxford History of the Prison: The Practice of Punishment in Western Society**: Oxford University Press.
- Murray, J. (2005), **The Effects of Imprisonment on Families and Children of Prisoners**, In Liebling, A. and Maruna, S. (eds), *The Effects of Imprisonment*, Devon: Willan Publishing.
- Murray, J. (2007), **The Cycle of Punishment: Social Exclusion of Prisoners and Their Children**, Criminology and Criminal Justice, Sage Publications
- Murray, J. and Farrington, D. P. (2005), "Parental Imprisonment: Effects on Boys' Antisocial Behaviour and Delinquency through the Life-course", **Journal of Child Psychology and Psychiatry**, No. 46: 1269-1278.

- Murray, J., Janson, C. and Farrington, D. (2007), "Crime in Adult Offspring of Prisoners – A Cross-national Comparison of Two Longitudinal Samples", **Criminal Justice and Behavior**, No. 1: 133-149.
- National Health Committee (2008), **Review of Research on the Effects of Imprisonment on the Health of Inmates and Their Families**, Wellington: National Advisory Committee on Health and Disability.
- Prison Reform Trust. (1996), **Women in Prison: Recent Trends and Developments**, London: Prison Reform Trust.
- Pugh, G. (2005), **HMP Hollesley Bay: Visit & Family Ties Survey**, England: Ormiston Children and Families Trust.
- Quilty S. (2003), **Impact of Prisons on the Wider Community: Children in the First Line of Fire**, Presentation to the Public Health Association of Australia Incarceration Conference.
- Woodward, R. (2003), **Families of Prisoners: Literature Review on Issues and Difficulties**, Canberra: Australian Government Department of Family and Community Services.

